



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فامل ، متن قوانین - تصوینامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

سال ششم - شماره ۱۶۳۹

صفحه ۱

روزنامه یومیه

بدر: سید محمد باقری

شنبه ۱۳ مهر ماه ۱۳۲۹

شماره مسلسل ۶۲

دوره شانزدهم قانونگزاری

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۱ شنبه ۴ مهر ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه گذشته
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: رئیس ، دکتر مصدق
- ۳ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای کفیل وزارت دارائی و دنباله بیانات نمایندگان راجع بقانون تصفیه
- ۴ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف
- ۵ - ختم جلسه

مجلس دوساعت و یازده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

دیر آمده با اجازه : آقای قبادیان

رئیس - صورت مجلس جلسه قبل بواسطه عید اضحی و تعطیل جمعه بطبع نرسیده ، برای جلسه بعد حاضر میشود. اینجا سه نفر از آقایان برای قبل از دستور اسم نویسی کرده اند ، ولی آقای دکتر مصدق در جلسه پیش بیاناتی فرموده اند ، بنده از آقایان نمایندگان محترم استدعا دارم با کمال صبر و حوصله بیانات ایشان را اصفا بفرمایند. بفرمائید آقای دکتر مصدق (دکتر مصدق متشکرم) و تماشاچه ها هم توجه آئین نامه باشند و سکوت مطلق اختیار کنند (صحیح است)

۴-بیانات قبل از دستور آقایان دکتر مصدق و مقام ریاست

دکتر مصدق - در جلسه قبل راجع به

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه گذشته

رئیس - صورت اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

غائبین بنا اجازه : آقایان احمد بهادری ، اسلامی ، فتحعلی افشار ، طباطبائی ، دکتر راجی ، غائبین بی اجازه : آقایان محمود محمودی ، صفوی ، دولت آبادی ، برومند ، خسرو قشقائی ، سالار سندی ، امینی ، ناظرزاده ، تولیت ، حسن اکبر ، شهاب خسروانی ، انبال ، فرشی ، نفا الاسلامی ، عماد تربیتی ، محسن طاهری ، سالار بهزادی ، حاذقی ، غضنفری ، نبوی ، بیراسته ، محمد ذوالفقاری ، امیر انشاری ، سلطانی ، کاظم شیبانی ، دکتر شایگان جواد مسعودی ، خزیمه علم

بعین مذاکرات مشروح شصت و دومین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

قرار دادی که با دولت اتحاد جماهیر شوروی میخواهند منعقد بکنند ، نظریاتی عرض کردم ولی اطلاع کامل نداشتم ، زیرا بطوریکه میگویند دولت با دولت اتحاد جماهیر شوروی میخواهد قرار دادی منعقد بکند بطوریکه میگویند طرف مذاکره با اولیای دولت جماهیر شوروی فقط آقای نخست وزیر بوده اند و بس . ولی دیشب یکی از آقایان نمایندگان محترم به بنده توضیح دادند معلوم شد که قرار داد تجارتي دولت شوروی مدتی منقضی شده و میخواهند روی همان قرار داد کتبی ژانهای تعیین کنند . اگر واقعاً قراردادی هست و نمیخواهند قرار داد جدیدی بنویسند ، نظر بنده همانست که عرض کردم باید هر قرار دادی بموجب اصل ۲۴ قانون اساسی در مجلس شورای ملی بیاید و تصویب شود و اگر تصویب نشود ، آن قرار داد بهیچوجه معتبر نیست (صحیح است) ولی اگر بخواهند کتبی ژانهای برقرار بکنند ، چون باز یکی دیگر از نمایندگان محترم بن تذکر داد و فرمود که جمعی گفتند چه شده است که دکتر مصدق با قرار داد ، با این کنتراوان (چون واقعاً من نمیدانستم که کنتراوان معین بکنند یا قرار داد بنویسند ، مخالفت میکنید ؟ اینست که من لازم میدانم عرض کنم که من شخصاً و همکاران عزیزه نمایندگان جبهه ملی بسیار مشتاق هستیم که قرار داد جدیدی با دولت شوروی منعقد و در مجلس تصویب بشود ، اگر چنین قرار دادی بیاورند ما از صمیم قلب به این قرار داد رأی میدهم و بهیچوجه مخالفتی با قرار داد نخواهیم کرد و البته شاید اشخاصی که بخواهند فتنه و فساد بکنند بخواهند مراد نزد اولیای شوروی مخالف سریع قلمداد کنند بنا را بشهادت میکنیم که من با هیچیک از دول بزرگ مجاور نظر مخالفی ندارم و در آن دوره ۱۴ تنبیه که من آن ماده واحده را پیشنهاد کردم نظرم فقط صلاح مملکت ایران بود و صلاح شوروی ، زیرا انتظار نداشتم که دولت شوروی تقاضایی از

دولت و ملت ایران بکنند که يك دولت استعماری میکند ، چونکه تقاضای امتیاز معمولاً کار دولتهای استعماری است در همان ماده واحده می که بنده پیشنهاد کردم تحریم کردم امتیازات درآمده دوم و ششم دولتی که بشود از ایران برای احتیاجات خودش خریداری نفت بکنند دولت ایران باید با این کار موافقت بکند و باطلاع مجلس برساند و مجلس شورای ملی خواهان ماملات و تجارت بادل مجاور است و حالا پس از ۴ سال می بینیم بهمان مطالبی که من در آنجا راجع به نفت و فروش آن پیشنهاد کردم متوجه شده اند شاید امید واریم که انشاءالله ملت ایران بتواند معادن نفت خودش را خود استخراج بکند و بتام ملل مجاور به اندازه که احتیاج دارند نفت بفروشد معامله بکند و بنظر من یعنی در این نیست و هیچوقت در این مجلس غیر از مسائلی که خیر مملکت باشد عرض نمیکنم و امیدوارم که بعد هم عرض نکنم این راجع بمسائلی بود که در جلسه قبل عرض کردم و اینرا هم تذکر بدم که اگر بخواهند کنتنژان معین بکنند ، نظر باینکه تجار ایرانی تا امروز و تا آخر سال سهمیه خودشان را گرفته اند و مال التجاره هائی را دستور داده اند و آنها هم همان مال التجاره را صادر بکنند و دولت از همان کالاها کنتنژانهائی برای امسال بدهند هر آ يك ضررهای بزرگی به تجاری که سهمیه گرفته اند وارد خواهد شد . بنده بدولت تذکر میدهم که این کنتنژانها را بیک ترتیبی بدولت شوروی ندهد که با آن ماملاتی که تجار نسبت بسهمیه خودشان دارند ضرر وارد نشود . اگر ماملاتی با این کنتنژان انجام میگیرد ، این ضرر باین تجار ایرانی وارد میشود ، صدمه می متوجه معاملات تجار داخلی میشود چون وقیکه برای یکسال بدو نفر يك کنتنژان هائی دادند ، يك عده میروند از آنجا میخرند باید دولت این را در نظر بگیرد و کاری نکند که اسباب ضرر تجار بشود و قرارداد دولت جماهیر شوروی بطوریکه روابط ما باهمسایه شمالی ما محفوظ باشد این نظریه من بود راجع بقرارداد با شوروی که باید در مجلس بیاورند و اگر کنتنژانهائی معین میکنند مطابق آن قرار داد هم اجازه بدهد البته اگر بخواهند کنتنژانهائی مطابق قرار دادی که در ۱۵ فروردین ۱۳۱۹ گذشته بدهند ، کسی مخالف نیست و قوانین و قرارداد هائی که از مجلس شورای ملی گذشته تا زمانی که نقص نشده برای همه محترم است و باید اجرا شود . اما راجع بجناب آقای سردار فاخر حکمت من بهیچوجه نمیخواستم با ایشان عرض بکنم و با ایشان در اینجا اعتراضی بکنم . متأسفانه بعد از افتتاح مجلس یعنی بعد از تعطیل بمجلس آمدیم شهرت پیدا کرده بود که بعضی از رفقا و همکاران من میخواهند يك اعتراضی به ایشان ، بعنوان تصمیمی که هیأت تصفیه اتخاذ کرده بود ، بکنند در صورتیکه تصمیم هیأت تصفیه بهیچوجه مربوط بمجلس شورای ملی و نمایندگان مجلس شورای ملی نیست ایشان از طرف مردم این مملکت انتخاب شده اند ، در این مجلس سمت ریاست آمده اند و ما هم حق نداشتیم که

به اینکار اعتراض بکنیم ایشان از من استعراج کردند و گفتند شما چه نظر دارید راجع باین مذاکراتی که میکنم من هم همین جواب را دادم ، عرض کردم شما تشریف بیاورید ریاست خودتان را کار خودتان را اداره کنید از ما نسبت بشما غیر احترام چیزی نخواهد شد و همینطور هم در چند جلسه گذشته بود در دو جلسه قبلی یکی از همکاران من بمن اظهار کرد و گفت جناب آقای سردار فاخر میخواهند از خودشان در مجلس دفاع کنند ، بنده عرض کردم با ایشان بگوئید که من اصلاً نمیخواهم مجلس تشنج پیدا بکند و این دفاعی که شما میخواهید در مجلس بکنید اسباب تشنج در مجلس است ، ما که عرض نمیکنیم نمایندگان دیگر هم صحبتی نمیکنند کار تصفیه هم هر طوری که مجلس شورای ملی در نظر بگیرد خواهد گذشت خواهش میکنم شما در مجلس بیاناتی نفرمائید ، آن نماینده محترم به من فرمودند بنده مذاکره کردم و ایشان قبول فرمودند فرمودند من حتماً باید در مجلس از خودم دفاع بکنم و حقایقی را که مردم نمیدانند و مطلع نیستند بمرض جامعه برسانم در مجلس بازم بتوسط آن نماینده محترم عرض کردم استدعا کردم که فرمایشی نفرمائید صحبتی نفرمائید و مجلس را تشنج نفرمائید ، ایشان استدعای ما نمایندگان جبهه ملی را قبول فرمودند و بایراد بیاناتی که در مجلس شد مبادرت فرمودند البته این دفاع از طرف ایشان ، نتیجه این بود که بنده هم در مجلس عرضی بکنم ، بجهت اینکه ما نمایندگان تهران و شما نمایندگان ولایات که از طرف مردم در این مجلس آمده ایم ، مکلفیم و موظفیم که اگر يك حرفی يك مطلبی برخلاف حقیقت گفته شود ، آنرا تکذیب کنیم و ثابت کنیم که آن مطالب عین حقیقت نیست ، یا اشتباه است یا عمد است یا در حقیقت آنچه گفته شده بیان حقیقت نیست باین جهت بنده عرضی نسبت به ایشان کردم ، قسمت اول مربوط بتصمیم هیأت تصفیه بود که روزی بعد از ایراد نطق جناب ایشان یکی از نمایندگان هیأت تصفیه بمنزل من آمد در مقابل سؤال من جوابهائی داد و اظهاراتی کرد که اگر من عین اظهارات او را در اینجا عرض کردم انشاء من نبود و يك جمله اخباری بود ، عین اظهارات آن شخص بود که من در مجلس گفتم . اما خود من نسبت به جناب ایشان خاطراتی دارم که باید آن خاطرات را عرض بکنم ، آقایان محترم آنها را که در دوره ۱۴ تقنینیه در مجلس تشریف داشتند و آنها را که در خارج بودند اطلاع دارند که در مجلس يك اقلیت ۳۲ نفری تشکیل شد . این اقلیت ۳۲ نفری دو ماه در خود مجلس ابرو کسیون کردند و چون ما دیدیم که آخر هر ماه را بعنوان اینکه باید يك دوازدهم را تصویب بکنیم و اگر تصویب نکنیم دستمزد معین دولت بمجلس می آید ، هجوم می آورند و امنیت را مختل میکنند ، بمجلس میامدیم و دوازدهم را تصویب میکردیم ، بعد دیدیم اوبسترو کسیون باین ترتیب فایده نمی نداد ، البته آقایان تصدیق میفرمائید که اوبسترو کسیون حق اقلیت است که يك عده قلیلی است ، اکثریت اوبسترو کسیون بکنند پسندیده نیست بجهت اینکه اکثریت يك عده می هستند که نصف بملاوه يك نمایندگان هستند و باید بشنوند مطالب

اقلیت را با کمال خوشسردی با کمال ثبات استصاف بکنند اگر جوابی دارند بدهند و بعد رأی بگیرند و البته رأی اکثریت هم قاطع است ، آن کسی که حق دارد اوبسترو کسیون بکند آن اقلیت است که يك عده قلیلی هستند که وقتی که می بینند که اوضاع مملکت مطابق صلاح عمومی یا اگر مفرض باشند مطابق میل خودشان نیست و یا اگر مصلح باشند صلاح مملکت نیست اینها اوبسترو کسیون میکنند جلسه را از اکثریت میاندازند ، هر کاری که لازم باشد میکنند ، برای اینکه اکثریت نتواند بمقصودی که دارد نایل بشود و قضاوت این امر را هم با فکار عمومی واگذار می کند ، زیرا اگر افکار عمومی با عملیات اقلیت موافقت نکند ، اقلیت محکوم با فکار عمومی است ، اقلیت نمیتواند در جامعه سر بلند کند آن اقلیتی که بتواند در مقابل مردم صحبت کند ، آن مردمی که هواخواه يك اقلیتی باشند و طالب شنیدن حرفهای اقلیت هستند قهرأ قضاوت میکنند و تصدیق می کنند که حرفهای اقلیت در مصالحه خود آن مردم است ما ۴ ماه بمجلس نیامدیم بعد از ۴ ماه يك روزی در منزل بنده که جناب آقای قائم مقام الملک ، جناب آقای اسکندری نمایندگان اقلیت ۳۲ نفری تشریف داشتند حاضر بودند ، نفر از نمایندگان مجلس آمدند و گفتند دولتی که شما با آن مخالفت میکنید حاضر نیست نمی خواهد که شما از جلسه خارج شوید و بی اهتثائی بکنید دولت مایل است که بیاید در جلسه و برنامه دولت مطرح شود اگر بیرنامه دولت اکثریت رأی نداد دولت می رود حالا ما ۵ نفر اصالة از طرف خود و کالناً از طرف ۱۵ نفر از نمایندگان دیگر که ۱۶ نفر می شویم با شما که اقلیت ۳۲ - ملی برنامه دولت که مطرح شد رأی ندهیم و دولت برود آقا غیر از این نیست ؟ (قائم مقام الملک - صحیح است) ما آمدیم در مجلس و از آن اشخاصی که آمدند و حرفهائی زدن ما سندن خواستیم گفتیم که با اطمینان بدهید که اگر ما آمدیم با ما همکاری بکنید قبول بکنید آنها قبول نکردند و گفتند ما سندن نمی دهیم گفتند حرف ما حرف است سندن می دهیم و در مجلس که آمدیم بعد بیرنامه دولت دادند دو نفرشان مخالفت کردند و بیرنامه دولت رأی مخالفت دادند ، بالاخره ما آمدیم خود جناب آقای سردار فاخر یکی از آن اشخاصی بودند که در اقلیت بودند حالا چرا ما را آوردند بمجلس چون برای اکثریت فایده ای نداشت که ما بیاییم در مجلس اکثریت فضول می خواست ؟ که يك عده اقلیتی بیایند در مجلس هر کاری که اکثریت میکند تشدید بکنند و بگویند رفتند قند گرفتند چکار کردند موضوع را وقتی آمدیم بمجلس فهمیدیم و اگر به - مجلس نیامدیم اصلاً نمی فهمیدیم که چه خبر است برای چه آمدند ما را آوردند بمجلس روز اولی که آمدیم بمجلس ، مجلس اصلاً تشکیل نشد جلسه دوم و سوم بود که بودجه يك دوازدهم را آوردند و بگودازدهم تصویب شد در جلسه سوم دهنی از طرف نمایندگان اکثریت شد که نمایندگان اکثریت از اقلیت دعوت

می کنند که بیایند برای لایحه تحریم انتخابات صحبت کنند توضیحاً عرض می کنم که قشون خارجی در این مملکت چون یکدسته ای مدتی قبل از انقضای قرارداد داد مملکت ما را تخلیه کردند و رفتند يك دسته ای باقی بودند نمایندگان اکثریت نگران بودند متوجهش بودند برای اینکه توقف آنها در ایران سبب خواهد شد که در انتخابات دخالت بکنند این بود که کمیسیون اکثریت که عبارت بود از جناب آقای دکتر طاهری حاضر آقا همین طور است (دکتر طاهری - بلی) آقای دشتی آقای نبوی و آقای عباس مسعودی تشکیل شد من فهمیدم که دهنوت ما برای آمدن بمجلس فقط از نظر تحریم قانون انتخابات بود و الا بما کاری نداشتند می خواستند ما بیاییم در مجلس و این قانون را بمجلس بیاورند و قانون تحریم انتخابات را تصویب بکنند البته ما هم این جا خواستیم ریش بگیریم زیرا آن دولتی که نمی خواهند قانون انتخابات تصویب بشود ، آن دولتی که نمی خواهند ملت ایران به آزادی و عظمت و سیادت خود برسد با تجدید نظر در قانون انتخابات مخالفت آنها میل دارند که این قانون انتخابات همین طور که هست باقی باشد تا ملت ایران بهیچوجه توجهی بمصالح خود نکند . کمیسیون تشکیل شد نمایندگان اقلیت که در جلسه اقلیت انتخاب شدند یکی جناب آقای حکمت بود آقای مهندس فریور ، آقای صادقی و چهارمی خود بنده در آن جلسه نظر من این بود که تنها توقف قشون خارجی در انتخابات مؤثر نیست زیرا از بدو مشروطیت تا آنوقت که چهارده دوره تقنینیه گذشته بود فقط دوره اول و نسبتاً دوره دوم و سوم مردم توانسته بودند نمایندگان خود را بمجلس روانه کنند پس چیز های دیگری هم هست که در انتخابات ما مؤثر است و بهتر از این اصلاح قانون انتخابات است که با این قانون نتوانند آراه صحیح را با آراه مجبور و مشکوک عوض کنند ، اگر ما طالب آزادی انتخابات هستیم و اگر ما میخواهیم سیاستهای خارجی در انتخابات دخالت نکنند باید قانون انتخابات را تجدید نظر و اصلاح کنیم با قانون فعلی لازم نیست که سیاستهای خارجی با زور و نیرو و تهدید بمقصود خود بپرستند بلکه کافی است دولتی روی کار بیاورند و نیویات خود را بدست آن دولت اجرا کنند ولی اکثریت و بلکه قریب باتفاق نمایندگان حاضر نمیشدند که صحبت از اصلاح قانون بکنند و امضاء کنندگان طرح اصرار داشتند که آنرا پیشنهاد کنند و مجلس تصویب کند و در آخر دوره هم برای جلوگیری از فترت مجلس را تمدید نمایند از این نظر سه روز قبل از پیشنهاد طرح دعوت نمایندگان اکثریت کمیسویی مرکب از اشخاص ذیل آقایان دشتی ، دکتر طاهری عباس مسعودی نمایندگان اکثریت و جناب آقای رضا حکمت آقای حاذقی ، آقای مهندس فریور و اینجانب نمایندگان اقلیت در مجلس تشکیل شد ، نمایندگان اکثریت اظهار میکردند چند روز بیشتر بعد در فرمان انتخابات باقی نیست چنانچه طرح تنظیمی ما مطرح و تصویب بشود قشون خارجی که مقصودش از توقف در ایران مداخله در انتخابات است می رود و اگر نرفت ، دوره چهاردهم را تمدید میکنیم تا برود در صورتیکه

نمایندگان اقلیت بالاتفاق میگفتند تصویب این طرح ممکن است موجب مصیبت بعضی از خارجیها بشود و تمدید مجلس بجهت ذیل عملی مؤثر نیست اول اینکه انتخابات دوره چهاردهم بر طبق آمو مردم نبود که تمدید مجلس با افکار آنها موافقت کند دوم تمدید دوره تقنینیه برخلاف اصل بنجم قانون اساسی است که مدت نمایندگی را دو سال تعیین کرده است سوم بر فرض اینکه اکثریت موفق بشود تمدید شش ماهه است هست که در انقضای دوره دولت مجلس را منحل کند و این کار در دوره دوم سابقه دارد پس بهتر آن است طرحی تهیه کنیم که بتوان تجدید نظر در قانون انتخابات در صورت فرمان شاهانه راجع با انتخابات دوره یازدهم در ماه تأخیر و در ظرف این مدت قانون انتخابات را تجدید نظر کنند چنانچه قانون اصلاح شد و قشون خارجی نرفت آنوقت قبل از انقضای دوره ۱۴ طرح تمویق انتخابات تصویب شود پس از مذاکرات زیاد بین نمایندگان اکثریت و اقلیت در کمیسیون توافق نظر حاصل شد و ملت هم این بود که سیاست شخصی نمایندگان اکثریت با اصلاح قانون انتخابات مخالفت نداشت زیرا نظر من این بود که ۱۲۶ نفر از نمایندگان با قانون فعلی بدون معارضی در دهانت و بلوکات انتخاب شوند و ۷۴ نفر در شهرها افراد با سواد انتخاب کنند که در مجلس يك اکثریت ببطرفی تشکیل شود ولی بعد بین نمایندگان اکثریت موافقت حاصل نشد و طرحی که بمضمون ذیل تهیه شده بود در جلسه ۸۹ مهرماه ۱۳۲۴ تقدیم مجلس شورای ملی نمودند ماده واحده - انتخابات یازدهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی یکماه بعد از تخلیه خاک ایران از قوای بیگانه بعمل خواهد آمد این طرح با مضای ۸۰ نفر رسید نا گفته نماند که قبل از تشکیل جلسه علنی و تقدیم طرح فوق الاشعار ، نمایندگان اقلیت ۳۲ نفری در مجلس و در اطاق مخصوص بخود حاضر بودند و نسبت به جریان روز تبادل افکار می نمودند برای این که طرح مزبور در صلاح مملکت اصلاح بشود و در جلسه علنی مجلس بین نمایندگان اکثریت و نمایندگان اقلیت اختلافی حاصل نشود به موجب پیشنهاد این جناب آقای حکمت با نمایندگان اکثریت داخل مذاکره شدند ولی نتیجه ای نگرفتند و بلافاصله زنک مجلس بصدور آمد و نمایندگان اکثریت یکی بعد از دیگری وارد جلسه علنی شدند عده ای از نمایندگان اقلیت هم برای اینکه در جلسه نظریات خود را تعقیب کنند پیشنهادی در دو نسخه بشرح ذیل تهیه نمودند برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات در صدور فرمان انتخابات ، سه ماه تأخیر بشود ، امضاء کنندگان دکتر محمد صدق ، تیمورتاش ، مهندس فریور بهادری ، مهدی عدل ، فرمانفرمایان ، رضا حکمت ، انجمنی ، رفیع که یکی از نسخ این کتون ، (تیمورتاش - صحیح است ، مورد قبول است) مورد قبول است که بعدش مورد قبول باشد ، بنده همیشه پیشنهاد های جمعی را دو نسخه می نوشتم یکی را نگه میداشتم و یکی را هم بمجلس میدادم برای اینکه اگر خدای

نخواست بشود از بین برود باز آن پیشنهاد دیگر حاضر باشد رئیس - یکدفعه دیگر قرائت بفرمائید دکتر محمد صدق - این عین پیشنهاد است با مضای ایشان ، پیشنهاد مینمایم ماده واحده بطریق ذیل اصلاح شود ، برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات در صدور فرمان انتخابات ۳ ماه تأخیر شود دکتر مصدق ، تیمورتاش ، فریور ، بهادری ، دکتر فلسفی ، عدل ، فرمانفرمایان ، رضا حکمت دکتر زنکنه ، جناب آقای رضا رفیع ، امضاشان هست این طرح را ما آنجا دو نسخه امضاء کردیم آوردیم در مجلس که یکی از نسخ اکنون در دست اینجانب است و یکی از امضاء کنندگان خود جناب آقای حکمت میباشد چون در موقع امضای پیشنهاد آقای حکمت راجع بپیشنهاد دیگری هم که قبلاً وارد شده بودند به هیچ وجه اظهاری نکردند ، و وقتیکه پیشنهاد را با ایشان دادم امضاء کردند بهیچ وجه اظهاری نکردند ، وقتی که بنده پیشنهاد را با ایشان دادم امضاء کردند بهیچوجه اظهاری نکردند ، که قبلاً يك طرحی هم داده اند ، لذا نمایندگان اقلیت با نهایت اطمینان به پیشرفت کار وارد جلسه شدند و يك نسخه از پیشنهاد را اینجانب که همین پیشنهاد باشد تسلیم آقای نایب رئیس نمودم که پیشنهادات به ترتیبی که داده شده بود قرائت شد و بدون آنکه توضیحاتی بدهند در آن بحث شود مخالفین مانع شوند مورد رأی واقع شد و تصویب گردید صورت جلسه را ملاحظه بفرمائید وقتی که ما آمدیم در مجلس بنده این پیشنهاد را دادم به آقای ملک مدنی که مجلسرا اداره میکردند ، بعد یکدفعه دیدیم که يك پیشنهاد دیگری از طرف آقای سردار فاخر داده شده آقای ملک مدنی گفتند که آقای سردار فاخر توضیحاتی دارید ؟ گفتند خیر ، بدون بحث بدون مذاکره رأی گرفتند تا ما بخواهیم بفهمیم که موضوع چه بوده ؟ ما فهمیدیم اکنون همین پیشنهاد پیشنهاد آقای سردار فاخر چه بود ؟ پیشنهاد ما بعضی اینکه تمام خاک ایران بر طبق بیمان سه گانه از نیروی متفقین تخلیه شد ، بلااصله فرمان انتخابات صادر که انتخابات دوره ۱۵ شروع بشود سردار فاخر حکمت ، که این پیشنهاد بطرح نمایندگان اکثریت یکدست ، فقط اختلافش اینست که آقای حکمت پیشنهاد کردند بعضی اینکه خاک ایران از قوای متفقین تخلیه شود در صورتیکه پیشنهاد اکثریت اینست که یکماه پس از تخلیه ایران انتخابات شروع شود البته همکاری صمیمانه ایجاد میکرد که این پیشنهاد را که برخلاف عقیده و اظهارات خود شان بودند و یالین که لاقول همکاران خود را از آن مستحضر کرده باشند ، نه این که هیچ اظهاری نکنند و پیشنهاد دوم ما هم که مخالف با پیشنهاد اول است امضاء نمایند ، مورد تردید نیست اگر همکاران از پیشنهاد اولی ایشان مطلع شده بودند و اقلیت می دانست که نقشه اکثریت چیست از حضور در مجلس امتناع میکرد ، و عدم حضور نمایندگان اقلیت در جلسه سبب میشد که حدصاب برای اخذ رأی حاصل

نشود و پیشنهاد اکثریت تصویب نگردد و اکثریت مجبور شود که راجع بتجدیدنظر در قانون انتخابات بانظر اقلیت موافقت کند . پیشنهاد آقای حکمت بانسایندگان اکثریت باین نتیجه رسید که موقع مهم و مقدسی از دست مملکت رفت بعد در دوره یازدهم نیز آقای سردار فاخر مطلب دیگر ایشان که در دوره ۱۴ واقع شده ایست ، در سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ که با دوره ۱۴ تقنینیه تصادف میکرد قیمت يك كيلو قند به نرخ دولتی بیست ریال و بقیه بازار آزاد ۱۰۰ ریال بود و يك حلقه لاستیک اتوموبیل سواری که بنرخ دولت سه هزار ریال و در بازار آزاد سی هزار ریال و بهمین مناسب سایر اجناس انحصاری داد و ستد می شد بعضی از وکلاء از مقام نمایندگان سوه استفاده ننوده و منافع سرشاری برده بودند و اقتضای عملیات آنها همه روزه درجرائد متعکس و یا رسوائی آنها زبانزد خاص و عام شده بود (شوشتری - اسامی آنها را ببرید) خود آقای حکمت اسم می بردند لذا مجلس شورای ملی تصمیم قانونی ذیل را در جلسه ۲۷ تیر ماه ۱۳۲۳ اتخاذ نمود : نظر بانیکه شایعانی دائر بمداخله بعضی از نمایندگان مجلس در بعضی از معاملات راجع به کالاهای انحصاری و اقدام برای تحصیل ورود یارانی اجناس و غیره سوه استفاده از مقام خود بنظور ارتفاع مادی در جراید انتشار می یابد و نظر بلزوم تحقیقات در اطراف شایعات با اتخاذ تصمیم شایسته نسبت بکسانی که در صورت ثبوت شایعات مزبور مشمول مستحق تعقیب خواهند بود مجلس طبق اصل ۳۲ از متمم قانون اساسی کمیسیونی از ۵ نفر نمایندگان بانتخاب مجلس مأمور می کند که تحقیقات جامع الاطرافی بعمل آورده گزارش لازم را از تاریخ اتخاذ تصمیم در ظرف یکماه بمجلس شورای ملی تقدیم کند . این کمیسیون از طرف مجلس برای تحقیقات درباره اشخاص و کلای بد عمل مأمور شد . کمیسیون انتخاب شد یکی از اعضا آن کمیسیون جناب آقای سردار فاخر بودند و همچنین رئیس کمیسیون . بلی دولت مکلف است کلبه اعضاء و اطلاعات و وسائل تحقیق را در اختیار کمیسیون بگذارد .

تیسره : اتهام منحصر باجناس انحصاری نبوده و لازمست بهر اتهامی که مبنی بر استفاده مادیست رسیدگی شود . بعد از تصویب این قانون جناب آقای حکمت بصوت و ریاست کمیسیون مزبور انتخاب شدند و مدارکی از هلیات نمایندگان خلافکار با ایشان رسید . مدارک را نا دیده گرفتند و در ظرف یکماه حتی کوچکترین گزارشی بمجلس ندادند تا یکماه متعاقب شد . اینهم به آن کار کمیسیون حالا اگر میخواهد که اسم آن اشخاص را بفهمید چون مدارک خدمت ایشانست از ایشان بگیرید (شوشتری - این حرفها عکس العمل دارد در خارج) در دوره یازدهم نیز آقای سردار فاخر با اعزاز کرسی ریاست مجلس شورای ملی هیچوقت خود را موظف ندیدند از آزادی و قانون اساسی دفاع کنند در ایامیکه طبقات زیادی از افراد ملت طبق سنن پارلمانی و دموکراسی علیه حکومت مزبور با کمال نظم و آزادی وزیر حمایت

قران کریم مقابل صدارت مجلس بظواهرات پرداختند بدستور آقای رئیس مجلس قوای نظامی باسرنیزه و اسلحه گرم مردم را متفرق و مجروح و مقتول نمودند با نهایت تأسف باید عرض کنم که فردای آن روز آقای سردار فاخر با کمال صراحت از همان واہتراف کردند که زدن و کشتن مردم بیسلاح بدستور و امر ایشان بوده است و باز لازمست که عرض کنم کسیکه مدعی است قسمت مهم اموال خود را در راه آزادی و استقلال کشور و احیای مملکت و مخالفت با نفوذ بیگانگان خرج و مصرف کرده است در جلسه یکشنبه ۲۶ شهریور ، آیا شایسته بود که وارد مجلس مؤسسان بشود ؟ و آرائی بر علیه قانون اساسی و مشروطیت بدهد و باز شایسته بود که در همین دوره با اصول مشروطیت احترام نکند و رأی تمایل را که از سنن پارلمانی است زیر پا بگذارد ؛ درخانه خاطر آقایان نمایندگان محترم را با این معنی متوجه میکنم که دنیای امروز این موضوع را چگونه تلقی خواهد کرد که قانونی با امضای رئیس مجلس برای اجرا بدولت ابلاغ شود و پس از اینکه شخص ایشان مشمول آن قانون قرار گرفتند ، بیایند در پشت این تریبون مجلس و آن قانون را غلط و ظالمانه معرفی کنند آیا مصلحت مملکت از منافع اشخاص بزرگتر و عالیتر است و هرگز شما نمایندگان ملت نباید بخاطر صلاح اشخاص با مصلحت عموم مملکت مخالفت فرمائید . اینجا بعضی از آقایان نمایندگان بین اظهار کردند که آیا ممکنست رئیس مجلس را کسی اینطور عمل کند ؟ عرض کردم آقا بله ، بله . (کشاورز صدر - پس چرا در خانه خودتان گفتند نه ؟) اجازه فرمائید درممالکی که حقایق گفته نمی شود ، انتقاد نشود ، اینرا حمل به چه چیز میکنند ؟ یا حمل بر خیریت مردم میکنند میکنند این ممالک رشد ملی ندارند بجهت اینکه این حقایق را بشما عرض کنم بنده چکاره هستم ، جناب آقای تقی زاده چکاره هستند ، جناب آقای شمشیری چکاره هستند ؟ همه ما هارا مردم کاملاً از حالمان اطلاع دارند همه را میشناسند ، هر کس را بجای خودش میشناسند اگر ما گفتیم که کسی نسبت بر رئیس مجلس حق ندارد ، احترامی کند ، این حمل بر چه خواهد شد ؟ حمل بر این خواهد کرد که حاکمه اینرا باشد . من ندارم یا شریک عملیات دستگیر فاسد است . بجهت اینکه آن ممالکی که امروز ترقی کرده اند در سایه آزادی در سایه انتقاد بوده هیچ چیز غیر از انتقاد مردم را راه راست هدایت نمیکند . اگر يك کسی کار غلط کرد ، افراط و تفریط کرد ، ضرری نمی بنده که از خط خودش منحرف شود . بر هر آیه که عرض میکنم در جامعه ای که واقف رشد ملی داشته باشد در جامعه ای که بتواند نیک را از بد تشخیص بدهد باید مورد انتقاد واقع شود باید نسبت بعملیات او انتقاد بکنند تا او متوجه بشود و امثال او دقت بکنند و آن کار را نکنند والا اگر شما آمدید گفتید نسبت بر رئیس مجلس هیچکس حق انتقاد ندارد ، آنوقت جناب آقای امامی اهری خواهند فرمود بیه یک بیله چقدر .

فرامرزی - دستور ، دستور ، دستور شوشتری - اجازه بدهید من جواب بدهم . رئیس - من خودم حق دفاع دارم بکجریانانی که فرمودند باید جواب بدهم . صدری - بفرمائید . اردلان - جلسه آینده بفرمائید . کشاورز صدر - چرا ؟ آزاد - بگذارید بگویند . رئیس - آقای دکتر مصدق بکجریانانی از دوره ۱۴ که بنده و یک عده زیادی از رفقای دیگرمان با ایشان بعنوان اقلیت همکاری میکردیم در کابینه آقای صدر بیان فرمودند اغلب آنها هم صحیح بود حالا بنده توضیحات بیشتری میدهم آقای صدر که بکمک اکثریت آن روز به نخست وزیر رسیدند بعنوان اعتراض با ایشان که بعقیده آقای دکتر مصدق و اینها شایستگی نداشتند قرار شد که دو جلسه اقلیت استر و کمیسیون بکنند و بجلسه حاضر نشود ، این دو جلسه استر و کمیسیون رسید بچند ماه (جمال امامی ۴ ماه) و بنده همیشه مخالف با ادامه این رویه بودم ولی نظر باین که کاری را که قبول کرده بودم نمیخواستم برها کنم و به دست عنصری معروف بشوم همه در خانه های خودمان جمع میشدیم و در مجلس حاضر نمیشدیم بنده همیشه مکرر میگفتم که عده ما زیاد است ۳۲ نفر هستیم (بعضی از نمایندگان ۴۱ نفر) با این عده که تشکیل اقلیت را میدادیم اسلحه اقلیت و نمایندگان مجلس تریبون مجلس شورای ملی است سؤال انتقاد و استیضاح است این حربه از دست ما خارج شد این اسلحه را ما خودمان ترک کرده ایم و در خانه ها جمع میشویم دولت هم مشغول کار خودش است و از ترس اسلحه نامناسبی بپیل بعضی از اکثریت انجام میدهد کما اینکه اینطور هم میشد تا این که شاید آقایان در نظرشان باشد ، در يك جلسه خصوصی بین بنده و آقای دکتر مصدق يك مشاجره ای پیش آمد چون بنده میگفتم که برویم بمجلس و ایشان میگفتند که نرویم و کار ما این بود آخر ماه میادیم بمجلس برای يك دو روز هم بعنوان این که حقوق مردم را باید داد حقوق مستخدمین را میدادیم و دست دولتی را که با او مخالف بودیم باز می گذاشتیم و بر رفیق خانها ایمان بنده آن روز با ایشان يك ندی مشاجره کردم ایشان فرمودند هر کس که بانظر من موافق است بیاید اینطرف اطاق تشریف بردند آن طرف اطاق خوب در نظر دارم که عده کمی رفتند ، بنده خودم عرض کردم آقا خود بنده هم میایم ما که اختلافی نداریم ، ما میخواهیم يك کاری بر خلاف اصول مشروطیت نکرده باشیم مردم بنا اعتراض میکنند که شما مشروطیت را تعطیل کرده اید چرا شما چهل نفر یا سی و هفت نفر بیارلمان نماینده بنده گفتیم آخر چرا نرویم در صورتیکه در حدود چهل نفر هستیم ، بالاخره بیارلمان آمدیم و متأسفانه بنده باید بگویم که در آن چهار ماه استر و کمیسیون خدامیدانند روح معذب بود ، برای اینکه در مازندران و آذربایجان سرویداهائی بلند شد که ما اگر در مجلس بودیم از این سرو صداها و این قبیل تحریکات جلوگیری

میکردیم و نیامدیم بعد که به مجلس آمدیم يك سروصدائی در آذربایجان پیدا شد تنها کسی که آمد در این جا نطق کرد بنده بودم و بنده میخواهم نطقی را که در آن روز کردم حالا آقایان استماع بفرمائید از جلسه مذاکرات مجلس در دوره چهاردهم که قرائت میکنم . رضا حکمت - بنده اغلب قصد و هزم داشتم در مطالب و مسائلی که در مجلس شورای ملی طرح میشد نسبت بامور مملکت از نقطه نظر وجدانی و تکلیف و کالتی اظهار عقیده بکنم اما متأسفانه قیافه دوره چهاردهم تقنینیه طوری بود که حقیقه از این عزم غالباً منصرف میشدم زیرا اصل مهم آزادی انکار و عقاید در مجلس شورای ملی که جای بحث و استدلال است رعایت نمیشود آقایان نمایندگان علاوه بر اینکه حاضر نیستند عقاید یکدیگر را استماع کنند هیچ ناطقی هم از ترس مصون نیمانند (جمال امامی - مخصوصاً از طرف تماشاجی) این است که بنده قبلاً نمیشدیم . کم اگر عرایض بنده با عقیده يك یا چند نفر همکاران محترم موافقت نداشته باشند بنده را مورد تعرض قرار نمهند (فاطمی - کسی حق ندارد) تا بنده عرایضم را بکنم (تهرانچی - مقصودشان این است که کسی بین فرمایششان صحبت نکند) بشهادت آقایان محترم بنده از بدو این دوره همیشه سعی کرده ام عاری از هر گونه نظری با نمایندگان محترم و اکثریت مجلس همکاری کنم و با حفظ يك اصل که احترام احزاب و اجتماعات باشد بدون این که علاقه ای بجز بجز اراده ملی یا تمایلی بجز ب توده داشته باشم روش خود را انظرالی ماقال و لا نظیرالی من قال قرار بدهم و حرف حق از دهان هر فرد یا هر دسته ، هر جمعیت که خارج شده و یا بشود از آن طرفداری کرده و میکنم ، چنانکه وقتی کلبه ایدیت در مجلس گفته شد و دولت آقای ساعد مورد استیضاح آقای مهندس فریور قرار گرفت بنده با این که دوستی چندین ساله با آقای ساعد داشتم و ایشان را مدد شرف و وطن پرستی میدادم از دادن رأی امتناع کردم (آشتیانی زاده - کار خوبی کردید) و همین طور وقتی که جناب آقای دکتر مصدق بیاناتی اظهار فرمودند که منابع ثروت این کشور را نباید بدست دیگری داد و باید بدست ایرانی استخراج شود بدون تردید با طرح ایشان موافقت کردم چندی پیش هم آقای دکتر کشاورز همان طور که اظهار داشتند در آن جلسه هر کس که برضد تمامیت ایران اقدامی بکنند دارای شرافت نیست و دارای روح ایرانیست نیست (صحیح است) بنده بانظر تعیین با ایشان نگاه کردم چند روز قبل برای بنده از آذربایجان يك ورقه ای بعنوان بیانی فرقه دمکرات ایران رسید ، آقایان بخوبی میدانند که بعد از خلع محمد علی میرزا از سلطنت و سیری شدن دوره تزاری و حزب قوی در ایران تشکیل شد یکی بنام دمکرات ، یکی به اسم اعتدال که هر دوی این احزاب در تحکیم مبانی مشروطیت ایران خدمات گرانبهائی کرده اند (صحیح است) مخصوصاً دمکرات ها چون تشکیلات منظمی داشتند و افراد با ایمانی هم داشتند در مقابل مطامع

بیگانگان جانفشانی ها و فداکارهای زیادی کردند (صحیح است) وقتی که حقیقه بنده مرام حزب دمکرات آن روز را که در آذربایجان هم تشکیلات عظیمی داشت و منظور اساسی و هدف اصلی او حفظ استقلال و تمامیت ایران و اجرای اصول عدالت و آزادی و استقرار رژیم مشروطه بود بامرام و شمار این فرقه که امروز تشکیل شده مقایسه میکنم باین نتیجه برسم که تا چه پایه ممکن است افرادی این طور رویه پستی و تنزل برونند ، اگر آقایان اجازه بدهند من دو جمله از این را قرائت بکنم (جمعی از نمایندگان بفرمائید) آذربایجان می گویند تهران بدرد ما نمی رسد احتجاجات ما را نمیتواند تشخیص بدهد ، از فرهنگ ما جلوگیری میکند ، زبان مادری ما را تحقیر مینماید نیکی ندارد با هم میهنان خود به آزادی زندگی کنیم با وجود این ما از آنجا قطع رابطه نمیکشیم از قوانین کلی و عادلانه عمومی اطاعت خواهیم کرد در مجلس شورای ملی و در حکومت مرکزی شرکت خواهیم نمود ، زبان فارسی را مثل زبان دولتی در مدارس ملی هر مدیف زبان ملی تدریس خواهیم کرد ولی این حق را برای خود قائل هستیم که صاحب اختیار دار خانه خود باشیم و آن را مستقل با سلیقه خود اداره بکنیم (مهمه نمایندگان - این دست و زبان هارا باید قطع کرد) آقایان آذربایجان همه آزادی است (صحیح است) و روح شهدا و رادمردانی که از این خاک پاک برخاسته اند در راه استقلال کشور جانها تثار کرده و سرها داده اند و اکنون زیر خاک خفته اند باین قبیل عناصر ناپاک با دیده تحقیر و نفرت مینگرند و لعنت میفرستند (صحیح است احسن) جمال امامی - احسن ، تمام قطعات کشور عضو لایتنجری این کشور است (صحیح است) همه مانند حلقه های زنجیر بهم متصل هستیم (صحیح است) هر دست خیانتکاری که بخواید یکی از این حلقه هارا از زنجیر متصل بکنند (جمال امامی - او ایرانی نیست) بر طبق فتوای قطعه ملت ایران واجب المنقطع است (صحیح است) احسن) آنچه های مجلی زبانهای مجلی از قبیل کردستانی ، لرستانی ، گیلانی ، آذربایجانی سلب ایرانیت از ما میکنند (صحیح است) ما ایرانی هستیم (صحیح است) وزیر مادری همه ما هم زبان فارسی است (صحیح است) من امید وارم ایران بزودی دولتی پیدا کند قوی که بانکاء مجلس شورای ملی و اکثریت مجلس این کشور مناسبتی که در اطراف مشتعل شده و امروز شاید زنجیر رسیده خاموش کند و این نغمه شوم را در حق قوم این خاندان نمود کند (انشاء الله) مطلب دیگر که میخواهم عرض کنم این است که قریب ۶ ماه است عملاً دولتی روی کار نیست (جمعی از نمایندگان - چرا ؟) (تهرانچی - صحیح است) و هیچکاری هم نشده است آدمیم سر پیشنهادی که کردم ، همه آقایان میدانند که مملکت ما در دست اجنبی گرفتار شده بود آنها هم من غیر حق با حمله کرده بودند (آشتیانی زاده - حالام حمله می کنند) آزاد خالام می کنند) و اگر در آن موقع انتخابات عملي میشد معلوم نبود که کار انتخابات شمال و جنوب یکجا میرسد و چه کلای

می آمدند بمجلس این پیشنهادی است که بنده دادم چون بعضی ها عقیده داشتند که باید با بودن قوای بیگانه انتخابات انجام بگیرد و بعضی ها هم معتقد بودند که بعد از چند ماه ، بنده عقیده ام این بود که تا قوای بیگانه خاک مارا تخلیه نکنند هیچ قسم انتخابات عملي نشود این بود که پیشنهاد کردم و خود ایشان هم آنرا قرائت فرمودند (بعضی اینکه تمام خاک ایران از قوای بیگانه تخلیه بشود دولت مکلف است بلافاصله انتخابات را در سرتاسر مملکت شروع کند آیا این خیانتی بود که بنده کرده ام ؟ (بعضی از نمایندگان - بهیچ وجه) این بود عمل بنده در دوره قبل ، در آن دوره که صحبت از تمدید هم میشد بنده مخالف بودم برای این که اصل پنجم قانون اساسی اجازه نمیدهد و اگر بنا بشود هر کسی مجلس را بتواند تمدید کند پس يك دوره ای که انتخاب میشود همینطور تجدید میشود باین جهت بنده مخالف بودم که بعد از يك دوره انتخابات تمدید شود این موضوع را هم اقدام کردم ، امامطلب دیگر ، اینجا باید عرض کنم که بنده سر شماری تهران را که کردم انجام آنرا بدست یکی از باشراف ترین کارمندان این کشور که او سیف الله نواب است محول کردم (صحیح است) که ایشان رئیس اداره آمار بود و خدا را شاهدمی بگویم اگر این آدم با خدای نخواست بنده میخواستم ملیونها سوه استفاده بکنم بسهولت می توانستم ولی برای خانه خودم هم کوبین نگرفتم اما لاستیک را میفرمائید بنده آنوقت يك اتوموبیل داشتم و هر کسی میتوانست ۴ عدد لاستیک از دولت خریداری کند بنده ۲ لاستیک بیشتر نگرفتم با همان لاستیک کهته خود و پرداخت بهاء دو لاستیک دیگر را هم نگرفتم چون در بازار آزاد پیدا کرده و خریداری نمودم (یکی از نمایندگان - ایشانم نگفتند که گرفتید) (فرامرزی - بفرمائید آقا ، بفرمائید) ملت ایران باید بداند چون اسمی برده شد بنده باید بگویم که قضاوت در باره بنده را انکار عمومی کرده و بنده هم انجند است در محکمه عمل الهی و در محکمه افکار عمومی و در محکمه ای که از صلحا باشد ، حاضر جواب اعمال خود را بدهم اما کمیسیون در آن دوره بموجب رای مجلس تشکیل شد برای رسیدگی بکارو کلای که نسبت هائی به آنها داده شده بود ، بنده خودم رئیس آن کمیسیون بودم و بعد دارم که آقای منت مانی هم عضو آن کمیسیون بودند و چند نفر دیگر از آقایان هم در آن کمیسیون بودند و بعضی از موارد هم رسیدگی کردیم حتی دوستی آقای فغانی را هم رسیدگی کردیم و بخصوص میل شد ، برای این که بنده معتقد بودم ایشان عرض یا دعوی یکی را باید قبول کنند پس راجع به رای آقایان باید شهادت همین بود که گفتند این میتوان را از آن گران شکر و قندی گرفته اند ولی بنده هیچ فرستاده اند تعقیب کرده معلوم شد بوسیله آقای دکتر امین الدوله مرزبان فرستاده بود بنده آنروز هم امر از آنی نسبت با ایشان داشتم و خیلی هم مایل بودم که يك چیزی پیدا بکنم ولی بواسطه اینکه توسط آقای

امین‌الملک به گرگان فرستاده بودند و خود ایشان هم رفته بود تقسیم شده بود خدا را بی شهادت می طلبیم که قسمت هائی که فعلاً نظرم هست با کمال بیطرفی رسیدگی کردم. اما حکومت هزیر بنده بعد از اینکه تحریکاتی از خارج بر علیه مجلس شروع شد، کما اینکه آخر دوره ۱۴ بواسطه ضعف مجلس با اینجا ریختند و نسبت به آقای امیر تیمور که از شریفترین نمایندگان است (صحیح است) اهانت کردند بنده باید اینجا بگویم که بروی او تفت انداختند و او را از اتوموبیل پائین کشیدند و بدیگران هم اهانت کردند و بعد هم روزی به مجلس ریختند در آن دوره تمام تابلوهای مجلس، تابلوهای کمال‌الملک و دیگران را بغارت بردند بنده برای حفظ حیثیت مجلس برای اینکه هر روز یکدسته نتواند یا از طرف طرفداران دولت یا از طرف مردم به اینجا بریزند و آقایان نمایندگان مورد تهدید قرار میگیرند، دستور دادم در روزی که مجلس تشکیل است هر کس خواست متینک بدهد یک قدری دورتر از مجلس در حدود آخر نرده‌ها متینک بدهند که اهانت به مجلس نشود به همین ترتیب ما حالا حفظ حیثیت مجلس را کرده‌ام (صحیح است) و حتی این چند روز پیش از اینها ششصد نفر از همین مشمولین بنده ب و اوج که بانو کرانشان جمعیت کثیری میشدند میخواستند بیایند در مجلس متعصب شوند بنده به آنها گفتم اگر چنین کاری بکنید، میکرویم با فوه مجریه متفرقتان بکنند بنده در تمام این مدت اگر يك ترك اولی هم کرده‌ام بقضاوت آقایان هر چه بگویند حاضر بنده چون نطق تهیه نکرده‌ام به منظور از حفظ میکرویم، يك چیزهایی شاید یادم برود در جلسه پیش که بنده میخواستم يك مطالبی عرض نمایم که محترم برسانم، ایشان بی‌فایده داده بودند من عرض نکنم تصدیق می‌شد این يك حق دفاع شخصی بود به آقای دکتر مصدق ارتباط نداشت من که رئیس مجلس هستم بحکم آزادی نطق و بیان چگونه نتوانم يك اظهاری که باعث مخالفت ایشانست بکنم، بنابراین پذیرفته‌ام بیانات خود را عرض کردم بعد در غیبت بنده فرموده اند سوء استفاده از مقام خود کرده‌ام، میخواهم عرض کنم که آقای دکتر مصدق بکرات در اینجا راجع به مذاکرات خودشان با آقای منصور رفتن منزل منصور، راجع به ملاقات بسا آقای رزم آرا و رفتن آقای رزم آرا بخانه ایشان یا منزل آقای انبهار صالح صحبتهایی کردند وقت مجلس را گرفتند آیا بنده گناهی کردم که يك مطالبی عرض آقایان رسانیدم و قضاوت خواستم؟ (مکی - شما باید اسم بنویسید و بیاید پائین صحبت بکنند) ایشان وقتیکه صحبت میکردند همه را جلو گیری کردم و تنها نمودم مجلس سکوت کرد، بگذارید جواب را بدهم، اما ایشان در آن جلسه که بنده نبودم فرمودند يك دروغ مصالحت آمیزی گفته‌اند دروغ مصالحت آمیز شاید خوبست (شوشتری نه غیر نیست) اما بنده دروغ مصالحت آمیز را هم نمیکرویم در صورتیکه دروغ مصالحت آمیز ایشان از يك نماینده بی که شب را برای اسم نویسی میخواهی

کشیده بود سلب حق کرده است و این خوب نبود دیگر فرمودند که در احمد آباد (بهاگ گریه فرمودند) وقتی که رهایی ایشان آمدند، بنده رعایا نمیکویم میکرویم زار همین زار همین آمدند، گفتند از بلشویک وحشت دارند، ایشان با آنها گفته اند شما که پنج نفر زیر يك لعاف میخواهید چه ترسی دارید بعد هم چند افسر روس از ایشان خواستند يك کامیون یونجه خریداری کنند، ایشان دادند و پول هم نگرفتند، باین عمل هم اعتراض دارم، از قشون خارجی که مملکت ما را برخلاف حق اشغال کرده، خوب بود پول یونجه را میگرفتند و به آن بیچاره هائی میدادند که زیر يك لعاف پنج نفر میخواهیدند (صحیح است) بنده در مدت عمرم با گلوله در مقابل خارجی ایستاده‌ام و اسناد و مدارک هم دارم ممکن است بکتاب فارس و جنگ بین الملل مراجعه بکنید، جلو نفوذ خارجی را گرفتم با پول خود اما بنده خوشوقت شدم که گناه بنده پیش عیث تصفیه معلوم شد، دورقم چك ایشان ذکر کردند که افزاء و تهمت است و وجود خارجی ندارد و نسبت نارواست مدعی بنده کیست (مکی - حسابداری خود مجلس پنجاه هزار تومان بود بیست هزار تومانش را داده اید سی هزار تومانش مانده) بکلی دروغ است اما علت خشم آقای دکتر مصدق از بنده چیست؟ وقتیکه این دولت فعلی که میخواست مجلس معرفی شود بی‌فایده دادند که شما اگر فوغائی شد باید مجلس را تعطیل کنید جواب دادم چشم اگر فوغائی شد که نظامنامه من اجازه دادم مجلس را ترك میکنم ولی وقتیکه بنده دهم ۹۰ نفر ۸۰ نفر از نمایندگان ساکت نشسته اند و هیچ خلاف نظم نمیکند، و پنج، شش نفر اینطور تظاهرات بر خلاف نظم میخواهند بکنند، این را فوغا نمیشود تفتی کرد، چون هر روز يك دولت خواست معرفی بشود، و پنج نفر فوغا کند و مجلس تعطیل شود بر خلاف اصول مشروطیت است، ما باید رشد اجتماعی داشته باشیم از ملل دیگر یاد بگیریم، در روز سید نفر نماینده حزب محافظه کار که هم‌ترین حزب انگلستان است، تسلیم ۳۰۶ رأی حزب کارگر شده محافظه کاران بی‌رحم و جفاک بر زمین‌اند سر و دست حزب مخالف را بشکنند آخر مجلس شورای ملی جای بحث و استدلال است به آنها گفتم، که ممکن است فردا خود آقای دکتر رئیس دولت بشوند، ممکن است خدای نخواسته آقای جمال امامی هم باشما بدباشند دوستان زبانی هم دارند که ممکنست اسباب زحمت شما بشوند باید مجلس را تعطیل بکنم اگر فوغائی شد در مجلس که من نتوانستم اداره کنم یا در هم ریخته شد بنده تعطیل میکنم، بعد گفتند که آقای حالشان بهم خورد گفتم بنده هم ممکنست حال بهم بخورد نایب رئیس مجلس را اداره میکنند نماینده دیگر هم حالش بهم بخورد باید خودش برود بیرون، چون در کار مجلس تأخیری نباید داشته باشد همه و گیاهستان اما چون فرمودند اشخاصی که کارهای بدی کرده‌اند باید گفته بشود لهذا میکرویم گناه من اینست که رهایی کامشکان چندین مرتبه آمدند در منزل بنده که شکایت خواسته‌اند

که در مجلس متعصب بشوند باز من نگذاشته‌ام آنها میکروند املاک خرده مالکین که با آقا شریک بودند، ایشان بدون سند مالکیت و با اعمال نفوذ به مجاهد فروخته‌اند و آمده‌اند الان در تهران میخواهند متعصب بشوند، بنده در عمرم این کارها را نکرده‌ام و من تمنی میکنم که از مجلس چند نفر معین بشوند و بروند کنایچه خالصجات خراسان را به بیئت در موقمی که ایشان مستوفی خراسان بودند رسیدگی بکنند آن دو ملک خاصه را که در خرقان واقع است چگونه بدست آقای دکتر مصدق رسیده است و ایشان چگونه آن دو ملک را بدست آورده‌اند؟ و فروخته‌اند در صورتی که بنده خدا شاهد است ملکی که از پدرم به ارث بمن رسید حدس زدم که حق رعیت خرده مالک است بهمان قیمت که پدرم خریده بود با قساطر طول المده به آنها فروختم (صحیح است) من اینطور زندگی و رفتار کرده‌ام، الان هم بلوک آباره خشک که موجود است، و يك بلوک مهمی است که من سهم خود را بخواهرانم فروختم، با آنکه ورقه مالکیت هم صادر شده بود من رسیدگی کردم که حق زار همین تصبیح نشود حق آنها را بخودشان رد کردم من در این مملکت اینطور عمر گذرانیده‌ام نه ملک و مال کسی را خورده‌ام نه عمل بدی را کرده‌ام و الحمدلله در ظل عنایت خداوند و حضور نمایندگان محترم و ملت ایران رؤسید و سر بلند هستم (احسن - صحیح است)

مکی - از عیسی بن مریم هم شما یاد کنید
دکتر مصدق - بنده يك توضیح دارم
عدهای از نمایندگان - دستور آقای رئیس؛ دستور

رئیس - پیشنهاد یکریغ تنفس رسیده است
فرامرزی - من مخالفم با تنفس
مکی - ماده ۹۰ آقا
دکتر طباطبائی - آقای مصدق هم از ماده ۹۰ می-خواهند استفاده کنند
فولادوند - اجازه بفرمائید بنده توضیح بدهم
رئیس - بفرمائید
فولادوند - تصادف بد اینست که مجلس و آقایان نمایندگان به جناب آقای دکتر مصدق احترام میکنند و عملاً هم جناب آقای سردار فخر ابراز اعتماد کردند (صحیح است) ۷ بار این مجلس به آقای سردار فخر ۹۰ رأی ۸۰ رأی ۷۰ رأی رأی داده اظهار اعتماد کرده. آقای دکتر مصدق هم از اول عمر تا اکنون يك مرد یا کداملان بوده، بقیه بنده (صحیح است) و عقیده بنده و آقایان نمایندگان همینست و این اختلاف که بین دولت از رجال بزرگ مملکت که هر دو در مجلس باشند و هر دو متولی این امامزاده باشند و خدای نکرده بدست آقایان آبروی این مجلس برود بقیه بناه کار خوبی نیست (صحیح است - احسن) باز هم این است که بنده پیشنهاد کردم اجازه بفرمائید آقایان اصحابان ممکنست خسته باشند، بیرون میرویم استراحتی می‌کنیم، صحبتی می‌کنیم و بعد می‌آئیم به مجلس کارهای دیگر را انجام میدهم و استعفا می‌کنم معس

خدا اجازه ندهید پیش از این بدست خودمان مجلس تضعیف شود ما باز هم از آقای دکتر مصدق استعفا می‌کنیم از آقای سردار فخر هم ما رویان سفید است این جریانی که پیش آمد هیچگونه خلائی که واقفا مضر بحال مملکت باشد ایشان مرتکب نشده‌اند آقای دکتر مصدق السلطه هم یکی از رجال مهم این مملکت است و البته ممکن است در ضمن عمل عملیاتشان بر بخورد بيك عده اشخاص بد و بیایند بایشان تهمت بزنند البته ما از ایشان وامثال ایشان مثل آقای دکتر مصدق مثل آقای حکمت که نفوذ کلام دارند ممکن است یکروز مملکت رانجات بدهند استفاده میکنیم چرا ما خودمان را بیاییم اینجا بکنیم بکشیم؟ (صحیح است) چرا اینطور می‌کنیم؟ مردم دیگر با رجال بزرگشان خیلی احترام می‌کنند، مگر آقای چرچیل در انگلستان خطب نکرده؟ اگر چهار تا وکیل مجلس هر روز یا بشوند و نسبت بهم تهمت بزنند توهین کنند اینکه نمیشود، علیهذا من بیای آقای دکتر را میبوسم استعفا میکنم که يك چند دقیقه تنفس داده شود
رئیس - آقا بفرمائید بنشینید این مخالف آئین نامه است.
مکی - بموجب ماده ۹۰ بنده هم باید صحبت کنم
تیمورتاش - شما چکاره هستید آقا؟
مکی - بنده هم اعتراض دارم
دکتر مصدق - بنده طبق ماده ۹۰ اعتراض دارم
رئیس - آقای شوشتری بفرمائید
شوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم - بنده خیلی خوشوقتم که از تمام این تعریفات و تعریضات (دکتر مصدق - اخطار مقدم بر هر چیزی است)
رئیس - اخطار وارد نیست، شما يك فرمایشاتی فرمودید جواب داده شد
شوشتری - اجازه بدهید بنده عرض کنم در تمام این اظهاراتی که از ناحیه جناب آقای دکتر مصدق و آقای سردار فخر رئیس محترم مجلس بمن آمد هیچیک از این اظهارات روی اصول قضائی و موازین مملکتی ایجاب نمیکند که مجلس شورای ملی و وقت مملکت باین الفاظ و این مشاجراتی که میکوبند، شایع است، سند رویش ارائه نشود، اسم کسی برده نشود، تعقیب قضائی پیدا نشود در يك محکمه وجدان و در محکمه عدل الهی و در محکمه عمومی نشود انکشت بلند کرد که این آقا مجرم است، بزهار است و گناهکار و مستلزم است که باید جرم شود، آقایان وقت مملکت وقت دنیا، این صورت مناسب نیست که ما گله‌های شخصی، گله‌های گذشته را مطرح بکنیم این دو پیشنهاد را که جناب آقای دکتر مصدق فرمودند و آقای حکمت پیشنهاد را بعد کردند، جناب آقای دکتر مصدق پیشنهاد بدی ایشان مکمل آن بود

که با عده دیگر از نمایندگان پیشنهاد کردند، آقای دکتر مصدق، جناب آقای حکمت دیگر چرا باز برگردیم شما مطابق ماده ۹۰ اعتراض بفرمائید ایشان با ماده دیگر آقا ما نشسته‌ایم که وقت مملکت را تلف کنیم.
بعضی از نمایندگان - دستور، دستور، دستور
دکتر مصدق - بنده مطابق ماده ۹۰ اخطار دارم.
مکی - بنده مخالفم که وارد دستور بشوید.
رئیس - باید رأی بگیریم.
فرامرزی - اینکه تحصیل حاصل شده است.
رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد تنفس آقای فولادوند. آقایانی که موافقت قیام بفرمائید (عده کمی برخاستند) تصویب نشد.
کشاورز صدر - بنده مطابق ماده ۸۳ اخطار نظامنامه ای دارم.
جمعی از نمایندگان - دستور، دستور، دستور، کشاورز صدر - ماده ۸۳ میگردد...
رئیس - صحبت بفرمائید بفرمائید بنشینید.
بعضی از نمایندگان - دستور، دستور، دستور
دکتر مصدق - بنده اخطار دارم.
مکی - آقای سردار فخر بیطرف مجلس اخطار دارند.
رئیس - راجع بچه موضوع؟
مکی - در جواب بیانات جناب عالی توهین کردید شما.
رئیس - آقای دکتر مصدق بفرمائید.
دکتر مصدق - جناب آقای سردار فخر حکمت بیننده دو نسبت دادند یعنی نقل قول کردند، یکی راجع به معامله ای که بنده در خرقان نسبت به ملک (کامشکان) کرده‌ام دیگری راجع به مصالحاتی که در دوره استبداد یعنی در ۵ سال پیش از این از دولت خریدم و حالا میخواهم جواب بدهم، راجع به معامله کامشکان بنده در آن چك بین المللی املاک موروثی داشتیم در کنار شهر قلعه مرغی، خانه آباد، اسفندیاری محمدا باد تمام را فروختم به ۵۰ هزار تومان و در ۴ سال قبل از این هم بیلان دارائی خود را در روزنامه‌ها منتشر کرده‌ام در روزنامه کیهان هم که جناب آقای فرامرزی اطلاع دارند منتشر شد و باز هم ممکن است آن بیلان را منتشر کنم که آن ارث پدری را نه يك پول زیاد کردم و نه کم کردم، کم نکردم برای اینکه لایق بودم زیاد نکردم برای اینکه دزدی نکردم و آن پولی که بمن رسیده بود بمالقی را صرف تحصیل خود در اروپا و مبلغی هم که باقی مانده بود که املاکی در خرقان از ورثه مرحوم عزیزالدوله تاج‌الدین میرزا و شماع‌الدین میرزا خریدم و مدت ۲۵ سال که مالک بودم هیچ اختلافی نبود مگر وقتی که کار ثبت‌اسناد پیش آمد و بنده هم مطابق مقررات قانونی املاک خود را به ثبت دادم کامشکان که کوه‌ها به است باغات خرده مالکی دارد که من حیث المجموع از جریانه و خانه و هر چیزی که حساب کنید پیش از صد تومان هایدی بمالکش میرسد زار همین باغات که مالک اعیانی بودند و مالک عرصه

نبودند مثل تمام اختلافاتی که در تمام ایران در زمان ثبت اسناد پیدا شد آمدند به بنده اعتراض کردند گفتند که ما نه فقط مالک اعیانی بلکه مالک عرصه هم هستیم و چند نفر که اسنادی از مالک سابق داشتند که رویه فرته ۱۰۰۰۰ ذرع زمین نیش، آوردند نزد من و بنده به ثبت اسناد نوشتم که چون مالک قدیم این عرصه را به آنها بخشیده بخودشان بدهید آقای امیر مجاهد در حبس بودند وقتی که بنده خواستم آن ملک را بفروشم گفتند من غیر از فلانی با کس دیگری معامله نمی‌کنم و در موقع معامله يك سند در محضر آقای شریف‌العلماء خراسانی تنظیم کردم، نظر باینکه مالکین اعیانی باغات اختلافی راجع بر عرصه دارند و منافعی که از حق الارض بمالک میرسد پیش از صد تومان نبود چنانچه صاحبان اعیانی باغات دعوی خود را بعلت مراجعه ثابت کردند در حدود هزار تومان به آقای امیر مجاهد بدهم عرض کنم این سند تنظیم شده را بنده فردا در سه چهار روز نامه درج میکنم تا معلوم شود که من با هر کسی که کشتی گرفتم، با هر کسی که میباززه کردم چون چیزی نداشتم این قبیل نسبت‌ها را بمن داده اند بنده اسناد را فردا در چند روزنامه منتشر می‌کنم و آقایان ملاحظه خواهند فرمود که در موقع تنظیم سند و معامله تمام اینها قید شده است آقایان شما را بوجداناتان قسم تصور میکنید که بنده برای هزار تومان ملک يك رعیت بیچاره ای را بزور بگیرم اگر قبول میکنم، عرض کنم، اما راجع به مصالحات ایامی که تازه از اروپا آمده بودم اگر کسی بمن تو میگفت بمن بر میخورد واقفاً خیلی بدم می‌آید. در همین مجلس که مرحوم حاجی آقا شیرازی وکیل دوره سوم را حزب اعتدال میخواست رد بکنند بنده با ایشان نه آشنا بودم نه ارتباط داشتم از یکی از کارمندانهای مجلس که در شعبه بود سؤال کرده بودم در لیست حاج آقا چه اشخاصی نوشته شده بود گفته که در جزو لیست ایشان دکتر مصدق هم بوده و روزنامه شورای که در آن روز چاپ کرده بود و من آن را خواندم گفتم ای آقایان رفتم اروپا چندین سال زحمت کشیدم آدمم حالا حاجی آقای را می-خواهند بعنوان تطبیح در امتحانات رد بکنند بنده را نسبت می‌دهند که در لیست حاجی آقای بوده‌ام برای این مطلب دو شب تب کردم مادرم گت که اگر تو اینقدر حساسی که از هر چیز متأثر می‌شوی پس چرا تحصیل حقوق کردی میخواستی تحصیل طب بکنی، هر کسی که تحصیل حقوق میکند باید کشتی بگیرد زمین بخورد زمین بزند، بد بگوید، بد بشود، فحش بدهد فحش بخورد این است که من عادت کردم به بد شنیدن حالا اگر يك کسی بمن بد بگوید و يك نسبتی بمن بدهد که حقیقتاً برای استقلال مملکت سیاست مملکت مضر باشد خیلی از این متأثر میشوم (فرامرزی - پس بعدها اگر خواستیم بدان بیاید هدیت ما را بگوئیم) بی بفرمائید شما آقای فرامرزی بگفردی را که هیچ نصیحتی ندارد شما بخواهید با هم روزی بشوید بکنید خیلی آدم بی انصافی هستید (فرامرزی - بنده خودم را عرض نکردم عرض کردم ممکن است کسی بکنند) شما اگر این بی انصافی را قبول

میکنید عرض ندارم در این مجلس گفته شد که هیئت تصفیه یکمدرک کی تهیه کرده بود که بنده را جزو بنده بگذارد که هیئت تصفیه این مطلب را تکذیب کرد حالا از جناب آقای حکمت سردار فخر تعجب میکنم که بنده هرچه بایشان عرض کردم و از روی دلیل و اسناد بوده ولی معلوم است ایشان چه دلیل مطالبی را بدون دلیل میفرمایند بنده ۱۰ سال در دوره استبداد و قبل از مشروطیت محاسبه یک قسمت از این مملکت که خراسان بود اداره میکردم میخواهم به آقایان عرض کنم و خدا را گواه بگیرم که در دوره استبداد در تمام مملکت ۵۰ هزار تومان دزدی نشده و امروز شما میبینید که یک نفر آدم سه میابون یکدفعه از مال این مملکت میبرد و هیچ کسی هم چیزی باو نمیگوید و علت این بود که در آن زمان نمیشد شاه مملکت میگفت مملکت مال من است نوکر شاه هم میگفت نمک شاه را میخورم و شاه خیانت نمیکند و همین ایمان بود که مملکت بخوبی و بدترستی اداره میشد اکنون از جناب آقای سردار فخر استدعا میکنم مطالبی را که در دوره چهاردهم شخصی در موقع احترام با اعتبارنامه خود گفته حرامست در مجلس اظهار کنید من تمام مطالبی که نسبت بایشان عرض کردم بامدرک است گفتم این پیشنهاد را کرد حالا غلط است من گفتم این قانون گذشته این غلط است غلط است اما ایشان این بیاناتی که کردند چه مدرکی دارند باید ایشان بامدرک بفرمایند بنده بابتدای ایشان مرحوم مسیح - الملك حکیم شیرازی که بعد مشار الدوله شد ما جلساتی داشتیم در آن دوره استبداد که بایشان واقعا ادرات داشتم

کفیل وزارت دارائی - چنانچه آقایان

محترم مستحضرنده چندروز قبل استیضاحی آقای اسلامی نسبت بجناب آقای وزیر دارائی فرمودند آقای دکتر نصر بیگ مأموریت مهمی از طرف دولت تشریف برده اند و در تهران نیستند بیک شرحی مرقوم فرموده اند که بنظر آقایان برسد و در حقیقت جواب استیضاحی است که ...

بعضی از نمایندگان - هنوز که استیضاح مطرح نشده

اسلامی - بنده باید استیضاح کنم و بعد ایشان جواب بدهند

رئیس - صحیح است اول آقای اسلامی باید استیضاح کنند

۳- تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای کفیل وزارت دارائی و دنباله بیانات نمایندگان راجع بقانون تصفیه

کفیل وزارت دارائی - خیلی خوب

پس باید بماند برای جلسه بعد لایحه ای است که تقدیم میکنم راجع بنشر اسکناس دوست ریالی بجای اسکناسهایی که گفته شده و از جریان خارج میشود و باطل میگردد حتماً خواهش میکنم روز استیضاح را هم همین بفرمائید

رئیس - خیلی خوب روز استیضاح را همین کنیم

فقیه زاده - گزارش کمیسیون هراض خوانده نشد

رئیس - آقای کشاورز صدر نوبت شماست

کشاورز صدر - بنده نوبت را با آقای جمال امامی واگذار میکنم

رئیس - آقای جمال امامی بفرمائید

جمال امامی - عرض کنم بنده بطرح این

لایحه اگر رای دادم نه از نظر موافقت با لایحه بود بلکه از نظر تسریع در طرح موضوع بود زیرا بنظر بنده و بنظر اکثریت نمایندگان این موضوع تشنجی در مملکت ایجاد کرده که تا ما رفع این تشنج را نکنیم بهیچ کار اساسی موفق نخواهیم شد بنده راجع بقانون قبل نظر بایتم را در چند جلسه قبل بمرس مجلس شورای ملی رساندم چیزی اضافه نمیکند اما راجع بقانون فعلی، طرح فعلی قسمت اعظم نظریات بنده را آقای حائری زاده با بیان متین و شیرین ایراد فرمودند بنده جز در چند مورد عرضی نخواهم داشت آقایان نمایندگان لطف بفرمائید آدم هائل کسی است که اگر از یک راهی رفت و پایش توی چاله افتاد دیگر از آن راه نرود ولی ما از سهل انگاری و بیحوصله گی آنقدر آن راه را میرویم تا گردنمان بشکند آمدند قانونی در دوره ۱۵ گذرانند تصدیق میکنم که تصویب این قانون با حسن نیت بود ولی خود آقایان اقلیت هم تصدیق کردند که نواقصی در کار این قانون بود بنده وارد نواقص قانون نمیشوم ولی در طرز اجرای آن قانون ملاحظه فرمودید که بچه شکل در آمده و حال آنکه در خود قانون در متن قانون رأی داده بودند که هفت نفر از اشخاص مورد اعتماد این مملکت بیرون روند و قضاوت بکنند یک عده ای رفتند و دیدند این قانون قابل اجرا نیست اشخاص شریفی بودند قانونی را که ناقص قانون و نقض فرض هیئت تصفیه بود حالا آمده ایم میخواهیم دوباره

دارید شان نمایندگی ملت اول باید فکر ملت بآهید بعد فکر خودتان (صحیح است) درست است این حق را قانون بشما داده ولی نباید در این مورد از شما استفاده بکنید باید با سویه لئو کنید (صحیح است) اگر لئو کنید باید نسبت به لئو کنید (صحیح است) استثناء قائل نشوید این حق را در این مورد از خودتان هم سلب بکنید (صحیح است) این شان نمایندگی است بنابراین بنده از آقایان تقاضا میکنم که این اشتباهات گذشته را دوباره تکرار نکنید دوباره مملکت را دچار تشنج نکنید دوباره نباید این شمشیر آخته را بدست دولت یا وزارتخانه ها یا عده ای مرض بدیم دوباره دو سال، سه سال این مملکت بدبخت و فلک زاده را در تشنج نگذارید ملاحظه بفرمائید تمام کار های اساسی کنار مانده نفت از بین رفت، کمک امریکا از بین رفت، طلاهای ما از بین رفت و مجلس دچار تشنج شد مقصود هم همین بود که مجلس را دچار تشنج بکنند اینها را خارجی برای ما درست میکنند و الله ما متوجه نیستیم بخدا نقشه است من تعجب میکنم آقای دکتر مصدق چرا باید متوجه اینها نباشند بفرس معال کاین حرفهایی که ما اینجا میزنیم راست باشد آخر یک پول ارزش برای ملت دارد در هر صورت بنده با طرح این لوایح مخالفم اگر آقایان استنباط فرموده اند کاین قانون برخلاف حق و حقیقت و عدالت تصویب شده و اگر تصدیق میفرمائید که اجرای آن تغلف از قانون شده باید این قانون را لغو بفرمائید شما معالک دارید دستگاه قضائی دارید دستگاه کیفری دارید اگر آقایان شما امیدوار نیستید که یک روزی دستگاه کیفری شما اصلاح بشود چه امیدی دارید؟ آمدند باقیمانده مستخدمین شمارا صدهزار نفر مستخدم را هم بیرون کردند باز آن ۶۰ هزار نفری که باقی بماند دزد میشود شما که هر سال نمیتوانید قانون تصفیه بگذرانید شما بیائید دستگاه کیفری تان را اصلاح بفرمائید وزارت دادگستری و دولتتان را مکلف بکنید برود این دستگاه را مرتب بکنند می گویند ۱۵ هزار پرونده جزائی در دیوان جزا هست (یکی از نمایندگان - بیشتر) بهتر یا کمتر کاری ندارم اینها را اول کرده اند و رفتند اشخاصی را که مستخدم دولت نیستند و مردمان آنها را چسبیده اند چرا اینکار را کرده اند بنده نمیفهمم (شرشتری - برای اینکه اسم نفت را نبریم) در هر صورت شما اگر بیائید یک قانونی بگذرانید که دولت مکلف باشد دستگاه قضائی و کیفری خودش را تقویت بکند و تمام مستخدمینی که پرونده جزائی دارند و مورد اعتماد دولت نیستند دست کیفر بسیارند بنده موافقم ولی با این طرز قوانین که بدون حق دفاع یک عده اشخاص ممرض بیرون بکشند اشخاص صلاحیتداری را بی صلاحیت تشخیص بدهند بنده موافق نیستم (صحیح است) و گمان می کنم آقایان هم با این ترتیب مخالف باشند یک دفعه تجربه کردیم کافی است دیگر بیش از این هم عرض ندارم (احسن، احسن)

رئیس - پیشنهادی از آقای آزاد رسیده که قرائت میشود

داریه شان نمایندگی ملت اول باید فکر ملت بآهید بعد فکر خودتان (صحیح است) درست است این حق را قانون بشما داده ولی نباید در این مورد از شما استفاده بکنید باید با سویه لئو کنید (صحیح است) اگر لئو کنید باید نسبت به لئو کنید (صحیح است) استثناء قائل نشوید این حق را در این مورد از خودتان هم سلب بکنید (صحیح است) این شان نمایندگی است بنابراین بنده از آقایان تقاضا میکنم که این اشتباهات گذشته را دوباره تکرار نکنید دوباره مملکت را دچار تشنج نکنید دوباره نباید این شمشیر آخته را بدست دولت یا وزارتخانه ها یا عده ای مرض بدیم دوباره دو سال، سه سال این مملکت بدبخت و فلک زاده را در تشنج نگذارید ملاحظه بفرمائید تمام کار های اساسی کنار مانده نفت از بین رفت، کمک امریکا از بین رفت، طلاهای ما از بین رفت و مجلس دچار تشنج شد مقصود هم همین بود که مجلس را دچار تشنج بکنند اینها را خارجی برای ما درست میکنند و الله ما متوجه نیستیم بخدا نقشه است من تعجب میکنم آقای دکتر مصدق چرا باید متوجه اینها نباشند بفرس معال کاین حرفهایی که ما اینجا میزنیم راست باشد آخر یک پول ارزش برای ملت دارد در هر صورت بنده با طرح این لوایح مخالفم اگر آقایان استنباط فرموده اند کاین قانون برخلاف حق و حقیقت و عدالت تصویب شده و اگر تصدیق میفرمائید که اجرای آن تغلف از قانون شده باید این قانون را لغو بفرمائید شما معالک دارید دستگاه قضائی دارید دستگاه کیفری دارید اگر آقایان شما امیدوار نیستید که یک روزی دستگاه کیفری شما اصلاح بشود چه امیدی دارید؟ آمدند باقیمانده مستخدمین شمارا صدهزار نفر مستخدم را هم بیرون کردند باز آن ۶۰ هزار نفری که باقی بماند دزد میشود شما که هر سال نمیتوانید قانون تصفیه بگذرانید شما بیائید دستگاه کیفری تان را اصلاح بفرمائید وزارت دادگستری و دولتتان را مکلف بکنید برود این دستگاه را مرتب بکنند می گویند ۱۵ هزار پرونده جزائی در دیوان جزا هست (یکی از نمایندگان - بیشتر) بهتر یا کمتر کاری ندارم اینها را اول کرده اند و رفتند اشخاصی را که مستخدم دولت نیستند و مردمان آنها را چسبیده اند چرا اینکار را کرده اند بنده نمیفهمم (شرشتری - برای اینکه اسم نفت را نبریم) در هر صورت شما اگر بیائید یک قانونی بگذرانید که دولت مکلف باشد دستگاه قضائی و کیفری خودش را تقویت بکند و تمام مستخدمینی که پرونده جزائی دارند و مورد اعتماد دولت نیستند دست کیفر بسیارند بنده موافقم ولی با این طرز قوانین که بدون حق دفاع یک عده اشخاص ممرض بیرون بکشند اشخاص صلاحیتداری را بی صلاحیت تشخیص بدهند بنده موافق نیستم (صحیح است) و گمان می کنم آقایان هم با این ترتیب مخالف باشند یک دفعه تجربه کردیم کافی است دیگر بیش از این هم عرض ندارم (احسن، احسن)

از مجلس نرفته پس از کجا رفته؟ کمیسیون خود بخود که اینکار را نکرده قانونی که در اینجا وضع شده یا کمیسیون دادگستری یا مجلس شورای ملی بان رأی داده است حالا که بد شده میگوئیم که خیر این درست نیست این قانون نظری است یعنی گفته که این هیئت ۷ نفری هر نظری را که داده مطاع و متبع است این اشخاص هم آمده اند بدون آنکه بگویند یکی از کارمندان دولت دزد است بکنفر از کارمندان دولت اختلاس کرده یکی از کارمندان دولت نمرده کرده است گفته اینها درست خدمت نمیکند نه دزدی کرده نه اختلاس کرده نه جرمی کرده و نه اشخاص بدی هستند ولی دولت اینها را نمیخواهد اینها اشخاص بدی نیستند حالا شما اجازه میدهید که بعد از یکماه بروند شکایت بکنند اینها بروند چه شکایت بکنند آقا این شاکتی باید شکایت بکنند که آقا بمن گفته اند دزدی و من دزدی نکرده ام بروند شکایت بکنند که بمن گفته اند مختلسی و من اختلاس نکرده ام این چه شکایتی دارد این یک مسئله ای است مثل حکم صلح که وقتی یک حکمی را معین میکنند دیگر کسی حق ندارد حرف بزند که این درست نیست حالا هم قانون یک اختیاری داده است بیکمده ۷ نفری نظرشان هم اینطور از آبدرد آمده است این هیئت نظر داده است این اشخاص برای کارمندی دولت خوب نیستند حالا دیوان کشور چه چیز را باید رسیدگی بکند بنده میخواهم عرض بکنم که دیوان کشور تمام اینها را تأیید میکند و مجبور است که این احکام را تأیید بکند چون این نظری است و این نظر هیئت تصفیه است و یک ایراد هست و آن اینکه اگر چنانچه فلان کارمند دولت فلان عمل را کرده است شما نمیتوانید خارجش بکنید و اگر نکرده است و بگویند این عمل نشده است و این هیئت نظر داده است دیوان کشور نمیتواند بگوید نظر آنها غلط است برای اینکه آن قانونی که به هیئت تصفیه اختیار داده است هیچگونه قید و شرطی نداشته و لذا هیئت تصفیه آمده و نظر داده و گفته که بنظر من این اشخاص صلاحیت کارمندی دولت را ندارند شما هم نمیتوانید بگوئید که این نظر هیئت تصفیه درست نیست برای اینکه چنانچه آقایان خواسته باشند که این لایحه را تصویب بفرمایند دولت در این پیدا می شود اولاً یک عده ای را مجزی و مستثنی می کند و اشخاصی را که شکایت و گناه میشود و از طرف دیگر تمام این اشخاص اگر خواسته باشند تجدید نظر بدهند باید بیرون بیرون کشور را جمع کنند و تمام این احکام را دیوان کشور تأیید میکند لذا بنده پیشنهاد می کنم که یک کمیسیونی از اشخاص مجلس جمع و تشکیل بشود و بیرون آنجا یک راه نانی برای اینکار پیدا بکنند یک راه حل اساسی پیدا بکنند و بعد بیارند بمجلس تا مجلس تصویب بکند والا این قانون اسباب زحمت است و در درس فراهم می کند و باز یک آشوبی پیا میکند

عده ای از نمایندگان - صحیح است
رئیس - آقای حائری بفرمائید

عامری - آن نگرانی را که آقایان اظهار می کنند يك قسمتش وارد نبود ولی مقدماً اجازه می خواهم که چند کلمه بمرض آقایان برسانم (عده ای از نمایندگان - بفرمائید) اول به بینم که چه موجب شد که این قانون آمد و چطور شد که تصویب شد چون ممکن است ایراد بکنید که چرا این را تصویب کرده اند چون بیش از یک ربع نمیتوانم صحبت بکنم لذا اول مرض بکنم که مجبورم قدری اضافه صحبت بکنم مرض کنم یکی از چیزهایی که جزو عادات ما شده بدبختانه قضیه افراق و مبالغه و کزاف گوئی است در تمام شئون ما این مبالغه و کزاف گوئی هست از طبقه تحصیل کرده ، علماء، شعراء و ادبا گفتند يك عالمی رفت بشاه عبدالعظیم دیدم گفتند ۱۰ میلیون گوسفند در تمام ایران نیست گفت ۲ میلیون که بود گفتند ۲ میلیون در تمام کردستان و گرگان نباشد گفت ۱۰۰ هزار که می شود گفتند ۱۰۰ هزار در تمام طهران نیست گفت ۱۰۰ تا در حضرت عبدالعظیم گوسفند نیست ؟ بجهدام زهرا قسم که دیگر از ۵۰ تا نمی آیم پائین خوب مبالغه را ملاحظه بفرمائید کسی از ده میلیون به ۵۰ تا بیاید پائین بعضی از آقایان هم همین مبالغه و کزاف گوئی را داشته اند تشبیهاتی کرده اند که اگر در خارج درست دقت بکنیم باک چیز عجیبی میشود میگوید يك کسی رفت و بگذرخت سر روی را شاخه هایش را زد يك کمائی را هم در طرف آن گذاشت بعد و تا بادام بزرگ را پیدا کرد و گذاشت گفتند آقا چه میکنی گفت معشوقه سمدی را میسازم قد سرو ، ابرو ، کمان و چشم بادامی حالا چشمهایمان هم همینطور است کار بجائی رسیده که ظهیر قاریابی وقتی که مدح قول ارسلان را میکند می گوید

نه کرسی فلک نهند اندیشه زیر پای
تا بوسه ببرکاب قول ارسلان زنده

میخواهم ببینید کار افراق گوئی بکجا رسیده همان سمدی که شمرش را باین سورت در آوردند میگوید چه حاجت که نه کرسی آسان
نهی زیر پای قول ارسلان
مکو پای عزت بر افلاک نه
بگوروی اخلاص بر خاک نه

این ها افراق است و مبالغه

و این افراق و مبالغه گوئی در تمام شئون ما هست نسبت بفساد دستگاههای دولت و دزدی همین افراق و مبالغه همیشه بوده است ولی يك موقعی شست پیدا کرده بعد از آمدن فوای متفقین به ایران و نبودن آذوقه و فقر و فاقه همانطوریکه آقای جمال امامی فرمودند ولی بنده نمیخواهم توضیح بدهم که یکمده از آنها که نمی خواهم اسمشان را ببرم یکمده از افسران شروع کردند بزدی من خودم میخواستم یکمده صوری از اینها نگاه بکنم آقایان خیال میکنند فساد و دزدی در دستگاه آنها نیست همانطور که گفته شده در آنجا میلیونها دزدی میکنند ولی در اینجا اگر يك بدبخت بیچاره ای ثبات و یاغیاطی اگر دوتا سواد بهش بدهند که بشوید و برای

این ۲ تا سواد چهار پنج تومان بگیرد اینرا میلیونها دزدی قلمداد می کنند بر اثر مسافرت اطیع حضرت همایون شاهنشاهی که قرار شد يك کومکسی به ما بکنند این افراق و مبالغه تمام شد بايك تبلیغات بسیار شدیدی که يك تزلزلی در تمام ارکان ایجاد کرد که آن تزلزل آمد به مجلس و همان تزلزل آمد در کمیسیون دادگستری و بآن تزلزل در همان موقع بانهایت فشار سعی کردند آن لایحه بگذرد ما عضوی داشتیم در کمیسیون دادگستری که بهیچ قسمی زیر بار این لایحه نرفت اینرا يك موقعی انتخاب کردند که نباشد بنده بشهادت جناب آقای دکتر بقائی صد درصد با این لایحه مخالف بودم چرا مخالف بودم ؟ برای اینکه این را مخالف با اصول مسلمة قانون اساسی میدانم یکی از اصول مسلمة دموکراسی و حکومت مشروطه که تمام این خونریزی ها و انقلابها برپا شده برای حفظ قانون اساسی است برای حفظ دموکراسی و حقوق افراد است روسییر انقلابی معروف فرانسه در موقعی که در زمان قدرتش بفرمان او ۱۳۶۷ سر در ظرف ۴۷ روز از بین بوسله گیوتین جدا شد وقتی که قانون اساسی فرانسه را آوردند در ضمن نقلش فریاد زد و گفت که يك اعلام حقوق بشر باید قانون اساسی تمام ملل باشد حفظ حقوق و آزادی افراد باید که در مقدمه و در ابتدای قانون اساسی هر ملتی مانند ستاره درخشان متضمن تضمین قطعی حقوق افراد باشد و هیچوقت قابل تغییر نباشد بقیه قوانین باید فرع این قانون باشد و در ماده دوم تصریح میشود که هر قانونی که منافی و مغایر با این قانون باشد لغو و از درجه اعتبار ساقط میشود . مقصود و منظور از حکومت ملی اینستکه اقتدارات درید قدرت باشد . ملت این اقتدار را به يك مؤسسه ای تفویض میکند که اینها از جانب او اعمال میکنند قانون اساسی ما هم این را تصریح میکند و میگوید که قدرت ناشی از ملت است و ملت این حق را تفویض میکند و بمقام سلطنت بقوه مقننه و بقوه مجریه ۳ قوه متمایز از هم قائل شده و همین اصل را برپا کرده با اینکه اصل استقرار حکومت ملی و نگاه داشتن اقتدارات درید ملتها بمنظور حفظ آزادی و حفظ حقوق افراد قائل شد . باز برای اینکه مبادا از همین قدرت بر علیه ملت استفاده شود بین علماء حقوق در خصوص محدود بودن و غیر محدود بودن مقام سلطنت و حکومت ملی اختلاف است زبان ژاک روسو و پیروانش عقیده دارند که این سلطه حکومت محدود نمی تواند باشد ولی علمای بعدی آمدند بشار محدودش کردند میگویند این قدرت در دومورد محدود میشود یکی در مورد قوانین آسمانی دوم در مقابل حقوق افراد قوانین آسمانی برای اینکه مقدم بر قوانین انسانی می آید و حقوق افراد برای اینکه حقوق افراد را بنده میخواهم تشریح کنم و بینم که قانون اساسی ما تا کجا رفته و کدام يك از این اصول را پیروی کرده عقیده علمای دسته اخیر اینستکه با اینکه قانون اساسی قدرت و سلطه حکومت ملی است ولی اگر از این تجاوز بشود مردم سه حق پیدا میکنند . حق مقاومت ، حق دفاع و حق تعرض میگویند مقصود از حق مقاومت اینستکه حق داشته باشند سر تکلیف در مقابل

آنطور قانونی پیش نیاورند و حق دفاع اینست که به توانم و جلو گیری بکنند و حق تعرض این است که اگر دیدند راه دیگری برایشان نیست و لطمه بعقود افسراد وارد میشود (آزاد - آقای عامری کنفرانس بدهید) بله آقای آزاد کنفرانس میدهم خواهش میکنم گوش بدهید چون مقداری از نظریات حضرتعالی را تصدیق دارم این کنفرانس مفید است برای اینکه آقای آزاد هر کس که در اینجا می آید یا در دولت می رود اول شرطش این است که قانون اساسی ایران را مطالعه کند و اصولش را بداند ما مجاز نیستیم که قانونی برخلاف قانون اساسی ایران وضع بکنیم اول من و شما باید آن را محترم بشماریم این قانون اساسی با خون شهدای آزادی گرفته شده در سایر جا های دنیا هم خود جنابعالی بهتر از من میدانید که با چه قیام و شورش ها و خونریزی هایی توانسته اند در حکومت های مطلقه و مستبد يك اصول اساسی بریزند که بتوانند آزادی را حفظ بکنند بنابراین با ملاحظه در اصل دوم قانون اساسی که می نویسد در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه نباید مغالفتی با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد و اصل نهم که میگوید افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرضی هستند جای بحث نیست که قانون اساسی ایران پیروی از علماء دسته اخیر کرده یعنی گفته است که قدرت و سلطه حکومت غیر محدود است ولی هر جا که مصادف شد با حقوق افراد من اورا مقدم میدانم اینجادیگر نمی توانیم تخطی بکنیم . در اصول ۱۷ و ۱۸ و ۱۱ یکی از اصول مسلم این است که برای حفظ حقوق افراد یکیش تساوی در مقابل قانون است که آنهم یکی از اصول مسلمی است که شرع مطهر ما در ۱۳۷۰ سال قبل وبعد علماء و فلاسفه در قرن ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

رئیس - آقای عامری دو دقیقه دیگر از وقت شما باقی مانده است.

عامری - ۵۰۰ تساوی حقوق مردم در مقابل قانون ، قانون اساسی ما هم در اصل بازدهم میگوید که افراد مردم در مقابل قانون متساوی الحقوق هستند این تساوی حقوق دو شبهه پیدا میکند یکی تساوی از حیث قوانین یعنی در مقابل قوانین و دیگری تساوی در مقابل معاکم (صحیح است) قانون اساسی ما باین اکتفا نکرده و دو اصل مختلف گرفته یکی اینکه اهالی مملکت ۵۰۰ در اصل هشتم متمم قانون اساسی هم میگوید اهالی مملکت در مقابل قانون متساوی الحقوق خواهند بود و در اصل ۱۱ تصریح میکند که هیچکس را نمیتوان ۵۰۰۰۰ مخصوصاً استدعا می کنم جناب آقای دکتر چون جنابعالی استاد بنده بوده اید توجه بفرمائید در اصل ۱۱ میگوید هیچکس را نمی توان از محکمه ای که باید در باره او حکم کند منصرف کرد مجبوراً بمعکله دیگر رجوع دهند

مکی - آقا این قانون تشدید مجازات را نداشتگان درست است ؟

عامری - الان مرض میکنم .

رئیس - آقای عامری چون راجع بسکوت است يك ربع می توانید صحبت بکنید وقت شما تمام شده است .

عامری ۵۰۰۰ - چشم ، بنده میخواهم بگویم مثل آقای مکی همانطوریکه آن روز فرمودند صد درصد با این قانون مخالفم در آن روز هم مخالف بودم و آقای دکتر بقائی هم شاید مخالف باشند منتهمی این تزلزلی که عرض کردم در يك کمیسیونی که کوچک باشد يك اکثریت کوچکی را که همراه بکنند بکفایت مذاکرات رأی میکنند حالا نظرم اینست که بنده باقی حرفهایم را نگهدارم چون این طرح آمد بکمیسیون حالا هم آقایان هر پیشنهادی که بدهند بر میگردد بکمیسیون مطالعه میشود لذا بنده باسکوتش مخالفم .

بعضی از نمایندگان - رأی، رأی

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای آزاد مبنی بر مسکوت ماندن این لایحه آقایان موافقین قیام فرمائید (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد آقای فرامرزی بفرمائید .

فرامرزی - آقایان البته این را قبول دارند که تصور میکنم من یش این تریبون کم حرف میزنم (صحیح است) (کشاورز صدر - خوب) خود من افراد می کنم که توی مجلس پارازیت زیاد میدهم و شلوغ زیاد میکنم حالا استدعا میکنم چون حرفم زیاد است موافقت بفرمائید که يك قدری زیادتر از معمول حرف بزنم يك خواهش دیگری هم دارم این است که آقایان پارازیت ندهید و اجازه بفرمائید بنده اعتراضم را بکنم بعد من هم میگویم که کمتر پارازیت بدهم .

رئیس - چون اصل موضوع است نسیاسات میتواند صحبت بکنید .

فرامرزی - ۵۰۰۰ عرض کنم که آنروز که آن قضیه پیش آمده بود و جناب آقای سردار تشریف بردند بنده بلند شدم گفتم یا موضوع مطرح نشود یا اجازه بدهید که ما هم حرف بزنیم (صحیح است) برای اینکه این انصاف نیست که يك شخصی را پیرو بوشنرا تا بکنند بعد نشود جواب داد بوجوب آیین نامه . خوب پس این را سکوت کنید تا موضوع مطرح بشود مدعی حرفش را بزنند و مدعی علیه دفاع کند همانروز بنده رفته بودم در بانک ملی از پله میرفتم بالا يك کسی از پشت سر مرا گرفت گفت آقا ما توقع نداشتیم شما این حرفها را بزنید و دفاع کنید از آقای سردار فخر گفتم شما کی باید گفت شما از ما هستید ما میخواستیم شما از ما باشید گفتم شما کجاست گفتم ما ملت گفتم حالا ما دو نفریم از ما دو نفر من ملت یا شما بعد بعضی از دوستان هم توی مجلس همین ها را باین گفتند یاد آمد در يك فضا دیگر که در بصره رخ داده بود در آن زمانی که بهر مدار العلم اسلامی بود مسجد بصره خانه های مذهبی داشت - تون های مذهبی داشت درم گوشه های عالم یکی از ترق اسلامی نشسته بود و مذهبی را درس میداد معتزله يك گوشه نشسته بود .

شاهره يك گوشه نشسته بود جنبه يك گوشه نشسته بود شیمه يك گوشه نشسته بود درست مثل هاید پارک امروز لندن که هر کس يك گوشه ایستاده عقیده اش را درس میدهد يك عرب ادبیه نشینی می آید آنجا توی این حلقه های درس می نشست و گوش میداد خوشش می آمد از او پرسیدند که تو از این حرفها خوشش می آید از این حرفهای معتزله مگر تو معتزلی هستی گفت معتزلی چه ؟ آن عقاید خوب و معقول معتزله را برایش گفتند گفت بله بله من معتزلی هستم آنوقت معایب یعنی آن ایراد هائی که به معتزلی می گرفتند برایش گفتند گفت خیر خیر من معتزلی نیستم گفتند شاید تو اشعری هستی گفت اشعری چه ؟ معسناش را گفتند گفت بله بله من اشعری هستم باز از ایراد هائی که با شاهره میگرفتند برایش گفتند گفت خیر من اشعری نیستم مال هر کدام معسناش را که برایش میگفتند میگفت من زهدان مذهبی (مکی - خوراج هم بودند تویش) از خوراج هم ممکن است بوده برای اینکه آنها هم حرفهای معقول زیاد دارند مثل سایر فرق و من کسی نیستم که از این حرفها بترسم مال هیچکس را نمیخورند این بسیار صحیح بود اما بچه مسلمان را میکشند این بسیار غلط بود . این را بر اصل عطا گفتند که این اهل هر مذهبی هست و هیچ مذهبی هم نیست گفت مسلمان حقیقی این است ، این مسلمان است برای اینکه در قرآن هست و اصل بن عطا رئیس مذهب معتزله هست گفت برای اینکه در قرآن هست الذین یستمعون القول و یؤمنون احسنه . مسلمان کسی است که حرفها را بشنود آنکه بهتر است قبول کند (صحیح است) بنابراین من نه از اقلیت نه از اکثریت نه از جمیع نه از راست من تابع حقم حرف حسق هستم به نظرم آن چیزیزی است که خودم میفهمم اگر هم يك وقت فهمیدم که آن چیزی که من قبول کرده ام حق نیست بر میگردد (احسن) ما فعلاً مواجه با يك وضعی شده ایم که این وضع در دنیا تقریباً میشود گفت بی سابقه است یعنی من این جور تصور میکنم جن در محکمه انقلاب فرانسه که آنهم دیگر تعارف نمیکردند که شما حالا بروید توی خانه نان بنشینید مسا حقوقتان را میدهم البته يك معا که ای از شان میکردند یعنی حرف طرف را میشنیدند ولی تریبانتار نمیدادند و از او نمیدانیدند یکی هم در محکمه انگلیسیون یعنی محکمه تقبیش اسپانی راجع بلامنعهها آنهم البته يك معا که ای از شان میکردند ولی نمی پذیرفتند تقریباً میشود گفت این قانون باین ترتیب و با این طرز در دنیا اولین دفعه است که پیدا شده آنطوریکه من میدانم و میفهمم یا اینکه من سابقه ندارم اینستکه من تقاضا میکنم که عراضی که من میکنم بعکس آنچه آقایان میگویند حرف را با صمیمیت بپذیرید خیر حرف مرا بامتضای انتقاد گوش بدهید با فکر اینکه من میخواهم دفاع بکنم از يك اشخاص دزدی را بکنم میخواهم اشخاص درستی را آلوده کنم با همین فکر حرف مرا گوش بدهید ولی دقت بکنید ببینید حرف من راست

هست یا نیست وارد هست یا نیست اگر وارد است خواهش میکنم قبول بفرمائید ومن از همکاران محترم خواهش میکنم که آنچه من نکته ام بمن نهندند از لای حرف من آن مطالبی که مقصود من نیست در نیاورند که بین نفس و دشنام بدهند خواستند بکنند هم بکنند ولی انصاف مقتضی نیست خیلی هام خیال میکنند که من این حرفهایی را که میزنم برای دفاع از شخص سردار فخر است برای چه من میخواهم دفاع از سردار فخر بکنم ؟ من اساساً در دفاعهایم گوار نه من شرم يك دفاعی میکنم و بعد يك لگد میزنم آن شیرا میزنم بعد خودم سردار فخر حمله میکنم او را میزنم اگر راجع بشخص او باشد من میخواهم راجع بيك اصلی و يك عقیده ای حرف بزنم این تظاهری که پررروز مجلس کرد و رفت بیرون مجلس رأی خودش را راجع بسردار فخر داد من با هر چیزی که امنیت عمومی یا امنیت اجتماعی را متزلزل بکنند یا هر عملی که مال کسی ، خون کسی ، حیثیت و شرافت کسی شغل کسی را بدون حکم دادگاه از او بگیرد مخالفم (عده ای از نمایندگان - احسن) (شوشتری - بارک الله) باین عمل مخالف بودم ۱۰ مقاله هم در اصل مخالفت با این قانون و این وضع نوشته ام ده مرتبه هم لاقول اعتراض کردم حالا هم موقع پیش آمده که از عقیده خودم دفاع کنم (دکتر بقائی - دوره بازدهم کجا تشریف داشتید آقای فرامرزی) دوره ۱۵ در طهران نبودم ولی ۱۰ مقاله روزنامه کیهان را بشما نشان میدهم که من مخالفت کرده ام و چاپ شده و بشما نشان میدهم قانون بدی بود (دکتر طباطبائی - قانون خوبی بود ولی بد عمل شده) قانون بسیار بدی بود فکر کجی بود علت اینکه کارها درست نمیشود اینستکه کج فکر میکنیم و کج بصره مقصد میرویم (دکتر طباطبائی - اعمال غرض کردند ولی بسیار قانون خوبی بود) آنکه قانون آورد مگر کارمند دولت نبود مگر میخواست تشریف ببرد (دکتر طباطبائی - میخواست تصفیه کند) تصفیه کند یعنی چه یعنی هر کار دلش خواست بکند تصفیه کند یعنی من شمارا بیرون میکنم باشما مرا بیرون کنید این يك قاعده و اصلی میخواهد يك ملاکی میخواهد من خیلی خوشوقت هستم جناب آقای دکتر بقائی که مجلس رسیده بآن چیزی که من مکرر مجلس را از آن بیتر ساید و آن این بود که با گرفتن امضاء که یک نفر بیفتد جان و امضاء بگیرد و هر کس که امضاء کرد بیرونش دولت برایش چغلی بکنند که دولت برایش حساب نکند بدارد که بعد در موقع انتخابات بیرون و از پشت بکنند (دکتر مصدق - پس بفرمائید که انتخابات آزاد نبوده است) بنده هیچوقت این مرض را نکرده ام (دکتر مصدق - مقصود همین بود) امیدوارم که با پیشوائی جنابعالی و از راهنمای جنابعالی همکاری مجلس قانون طوری اصلاح بشود که آزاد شود اگر انتخابات آزاد بود آقای دکتر مصدق ۱۲۵ سر باز ۱۱۱ افسر و ۲۰ مأمور کشوری در عمارت دولتی ایستاده بود که ۴ نفر از هیئت نظار را بکشند (دکتر بقائی - با هر که کشند) با هر کسی که اختیار داده (دکتر بقائی - با هر

رئیس ستاد جرئت کنید و بگوئید آقا) چرا برترسم آقا (دکتر بقائی - پس چرا نمیگوئید من منظر رم اینستکه شما بگوئید هر چه ما برضد دیکتاتوری دادیم برای همینها بود که من در دوره ۱۰ پیش بینی میکردم) من با دلالی که عرض کردم باین قانون مخالفم دلالی را هم عرض میکنم مجلس را نباید مجبور کرد که فوری و بزودی رأی بدهد مجلس برای مشاوره برای بحث و دلیل و برهان است اختیار مجلس ۱۰ نباید به کیسیون داد که در کیسیون ۵۰ نفر آدم بنشینند همه مخالف و موافق و منتفع معلوم باشد در ملکیتی که هیچکس تأمین ندارد و هر کس قدرت دارد جاو هیچ چیز نمیآید (کشاورز صدر - آنهم با نظریات سیاسی که بعد بموقع خودش گفته خواهد شد) علت این چیست علتش اینستکه مثلا میگویند مجلس سکار نمیکند خیال میکنند مجلس باید بیرون بکشد و برود زراعت بکند مجلس باید یک دولتی بیآورد و آن دولت را تقویت کند و آن دولت کار بکند دولت چون نمیتواند کار بکند چون عاجز است از کار خیال میکند که الفاظ قانون کار میکند می بینند و درهم می نشینند و می قانون مینویسند و می قانون میآورند به مجلس و مجلس باید زود بزود آن قوانین را تصویب بکند در صورتیکه چه قانونی لازم است که ما نماندیم در مملکت انگلستان ۲۰۰ سال است که مشروطه است و مجلس مقنن دارد هنوز شما یک مجموعه کوچکی در آنجا پیدا نمیکنید یک کلیاتی هست و راه هم برای باز است و دولتها کار میکنند دولتهای ما تصور اینکه قانون رفع عجز از دولت میکنند خود الفاظ قانون و خود کلمات قانون را میآوردند و میآورند و می مجلس باید تند تند این قوانین را تصویب کند اگر مجلس نکرد میگویند مجلس کارشکنی میکند در صورتیکه مجلس یکی از مهمترین وظیفه اش نظارت بر اعمال دولت است (عدهای از نمایندگان - صحیح است) که ببیند این دولت کارهایش را درست میکند یا نه حالا وارونه کرده اند می دولت میآید و قانون میآورد و مجلس هم نظارت بر اعمال دولت را گذاشته کنار و صفا بدست گرفته و فرمایشی دولت شده (عدهای از نمایندگان - صحیح است) هر کس از نمایندگان موافقت نکرد یکی از آقایان راه میآوردند مداد دستش است فلانی موافقت نکرد فلانی امتناع کرد فلانی فلانی گفت آقا نکنیم یعنی اساساً درست شد مجلس شورای ملی مثل تریاک تریاک در اصل پادزهر است یعنی دوی ضد زهر چون در غیر مورد خودش استعمال میشود خودش شده زهر مجلس هم وقتیکه وظیفه خود را از دست داد و افتاد توی نوکری دولت آنوقت میشود تریاک خودش میشود یک زهر کشنده این وضع این قوانین سیخکی سبب شده که ما همیشه در بند رفتن و پنبه کردن باشیم اول یک قانونی زود بنویسیم بعد به بیسیم که این قانون عملی نیست بعد فکر کنیم که چه جور آنرا بهم بزنیم همین قانون تصفیه بگذرد بر داشته سازمان وزارتخانهها را بهم میراند ما اینجا طرح دادیم ولایحه سازمان کشور را هم زدیم

و قانون تصفیه را بجز آن آوردم حالا در بند این هستیم که چه جور اینرا بهم بزنیم در بین ما مثلی هست که میگویند بریز و جمع کن و دو کار بکن خاکروبه هارا بردار و بریز و بر جمع کن آنوقت دو کار کرده ای یک داستانی است که در برایتز دوم و یا سوم دیده ام و البته آقایان هم خوانده اند و آنرا نیست که یک زن و شوهری به لوی هم نشسته بودند یکدفعه فکر کردند سکه چطور است که سابق بر این فرشته ای بود و پری بود توی جنگل پیدا میشدند و به آدم کومک میکردند و حالا پیدا میشوند یکوقت دیدند یک دختر خوشگل پیدا شد از آن گوشه اطاق و آمد و گفت من فرشته هستم چکار دارید حاجت از حاجت های شما چه بخواهید انجام میشود چهارمی هم ندارد و پنهان شد گفتند هیچ سه حاجت خیلی است آدم یکی برای دنیایش میخواهد یکی برای آخرت یکی هم برای ذخیره است نشسته بودند یای بخاری خانم اثر بر داشته بود و آتش بخاری را هم میزد و میگفت چه آتش خوبی است کاش نیم متر روده خوک بود و ماسوپ درست میکردیم یکدفعه نیم متر روده خوک از بخاری افتاد پائین مرد مصیباتی شد گفت ما با این دعا میتوانستیم ثروتمند شویم روده خوک بچسبید بدمامت ناگهان روده چسبید بیخ دماغ خانم خانم زیاد زد که چطور چکار کردی یکدها بیشتر نماند بود دعا کرد که روده بیفتد پائین روده افتاد پائین آنوقت سه حاجت که میشد با آن چه مقاصدی را انجام داد باین جور صرف شد یکدوره مجلس با این حرفها صرف میشود با گفتن ورد کردن فلان و بهمان ما یک قانونی میگردانیم بعد می بینند قابل اجرا نیست میانند میگویند اینجورش کنید چرا؟ چون می بینند بدون معالجه بدون فکر و بدون دادن آزادی بحث و معالجه بهر کلا تند تند قانون را میگردانند (دکتر مظفری - آقای فرامرزی هر وقت کار را بدست بگیرید و با هدیه همینطور است) نباید داد برخلاف اصل است اگر شما به کیسیونها اختیار میدهید که طرف اعتماد مجلس است من راه مختصر تری شما نشان میدهم دولت طرف اعتماد مجلس است برود کار هایش را بکند و در مجلس را ببیند حالا شما ببینید که در نتیجه این کارها چقدر وجه و نحو وقت تلف میشود ما چه احتیاجی داشتیم باین صحبتها ما یکماه دو ماه پیش از این که مجلس را تعطیل کردیم اطلاعات دیگری داشتیم صحبت های دیگری داشتیم حالا ببینید بچه مشغول شده ایم حالا این کار را برای چه کرده اند برای تصفیه و اصلاح ادارات آیا این کار را برای این کردیم؟ آقایان راه طبیعی هست عملی هست میشود مبتنی نبودیم جاو طبیعت را که نمیشود گرفت دولت بجای اینکه امنیت بدهد که بنده بروم توی مزرعه ام بنشینم بجای اینکه طوری عمل کند که کارهای آزاد درست شود می می بیند که عده کارمندا دارد زیاد میشود می می بیند که باید حقوق بدو کار فلج شده می قانون میگردد اند که کاری بکنند تا از عده کارمندا کم بکنند روز یکشنبه قانون میگردد که کارمندان زائد موجود را بیرون کند روز دوشنبه می بیند که خودش را بر این عده آنها را زیاد کرده شما فکرش

را بکنید ببیند از روزی که دولت تصفیه گرفته اند که کارمنداها کم بکنند مگر صدی هشتاد کارمندا اضافه نشده چرا برای این که طبیعت ایجاد کرده مردم کارندارند مردم آزادی عمل ندارند تجارت را دولت از دست مردم گرفته زراعت بواسطه عدم امنیت نمیشود کرد در راهروها در شوارع هام نمیشود کار کرد همه مردم میآیند تهران یا یک اداره دولتی که یک نان بخور نگیری بهشان بدهند بروند و ضمناً از تعرض مأمور عدلیه ، مأمور ژاندرمری ، مأمور نظام وظیفه ، مأمور اوقاف و سایر مأمورین در امان باشند تا حدی الا ان همین الساعه که بنده این حرف را میزنم برای هر یک از شما وقتی بروید خانه می بیند که ده تا تقاضا رسیده که مردم بیکار از شما تقاضا کرده اند که برای آنها کار پیدا کنید بیایند یک فکر عملی بکنید با الفاظ و حرف نمیشود کارها را اصلاح کرد این قوانین اثر بهبود در ادارات ندارد وای اثر خراب کردن ادارات را دارد من آنروز در همین جلسه خصوصی وقتی که آقای منصور آن لایحه شان را آورده بودند و آن حرفها را زده بودند گفتم جناب آقای منصور من ۲۸ سال است مستخدم دولت هستم در هر سال ۲۸ سال من ۸ ساعت امنیت نداشته ام برای اینکه از آنروز تا حال کیسیون و جلسه است که می تصفیه کند وجه کار بکند هیچوقت تصفیه روی عدالت نبوده که آدم بگوید که من چون کار خود را بندم و با امانت هم انجام میدهم مجالس بین کاری ندارند این جور می نبوده کاری نکنید که هیچکس توی مملکت امنیت نداشته باشد مردم از دست مأمورین دولت امنیت ندارند مأمورین دولت از دست خود دولت امنیت ندارند دائماً شب یک عده ای نشسته اند برای اینها دارند فکر میکنند که چه جور اینها را ازیت بکنند شما از یک عده مستخدم مترازل چه توقع امانت دارید؟ چه توقع خدمت دارید؟ چه توقع صدا کاری دارید؟ چه طور ممکن است همچو چیزی؟ بعضی از آقایان من دیده ام که میفرمایند خوب کاری نمیکند یک عده ای را میگیرند میگویند ما شما را حالا لازم نداریم کسی بکسی میگوید ما شما را لازم نداریم ، فرض کنید آقای دکتر سجادی ببیند میگوید من شما را لازم ندارم چرا من بروم؟ ایشان تشریف ببرند هیچکس در دنیا نه با علم نه با کار و نه با حیثیت و نه با رتبه از مادرم تواند نشده است کسی که با مقام از مادرم تواند میشود در دنیا فقط ولیعهد است باقی مردم همه اکتساب میکنند همانطوریکه یک نفر زارع در نتیجه ۳۰ سال زحمت یک مزرعه را آباد میکند یا یک تاجر سرمایه بدست می آورد یک مستخدم دولت هم در نتیجه ۳۰ سال زحمت و خدمت بر تبه ۹ می رسد ، بر تبه ۸ میرسد یک شخص در نتیجه ۵۰ سال زحمت حیثیت و آبرو پیدا میکند همانجوری که ملک آدم را خانه آدم را جز با حکم دادگاه و با دلایل نظامی محکومیتش نمیشود از دستش گرفت رتبه اش و حیثیتش و مقامش را جز در دادگاه صالح و با دلایل مثبت محکومیت او نمیشود رتبه و شغل و مقام و حیثیتش بدرا هم توی آنوقت چطور خود شما خود مردم

حائری زاده یک کلمه ای فرمودند که باین ترتیب که به هیئت تصفیه حمله میکنند کسی دیگر در این مملکت جرأت نمیکند قضاوت بکند آیا حقیقتاً قضاوت این است؟ من در قضاوت این آقایان خواست میکنم اجازه بفرمایند که یک مثلی بزنم همین قضیه لار که ایشان فرمودند در روز روشن در حضور ۱۱ افسر و ۱۲۵ سرباز و ۲۰ تا مأمور کشوری در صدارت دولتی که دیوارش لا اقل ۱۰ متر ارتفاعش است عده ای را ریخته و کشتند با علم قبلی دولت که اینها را خواهند کشت (صحیح است) دادگاه نظامی تشکیل شد یک عده ای را محکوم باعدام کرد یک عده ای را محکوم بعیس کرد دیوانکشور از دو طریق یعنی جناب آقای لطفی که جزو هیئت تصفیه است از دو طریق این را نقض کرد یکی باسم اینکه حکومت نظامی بعد از وقوع قضیه اعلام شده بنا بر این حق رسیدگی بقضیه ای که قبل از اعلام حکومت نظامی واقع شده دادگاه نظامی ندارد این را ما قبول کردیم قسمت دیگرش را باسم اعاده داد رسی نقض کرد اعاده دادرسی یعنی چی؟ یعنی اینکه مثلا اگر یک کسی محکوم شد بقتل کسی بعد مقتول پیدا شد (امامی - قاتل) مقتول نه قاتل قاتل که اولش پیدا است فرامرزی را محکومش کرده اند که نور الدین امامی را کشته بعد نور الدین امامی گفته بنده هستم این را باید بیایند مرا بکشند چون مرا حاش را طی کرده است؟ در اینجا اعاده دادرسی قبول میشود یا همچنین حکمی بر سندی که آن سند معلوم بشود که جعل است یا مجازات برای گداهی که مجازاتش با آن گناه متناسب نباشد یعنی مردمی که دو ماه پیش توطئه کرده اند با بند و بست تمام مقامات دولتی اشخاص را کشته اند و بعد بدو سال حبس محکوم شده اند اینجا مناسب نبوده خیلی سنگین بوده تا اینجا قبول میکنم نظر قاضی است رأی داده است ولی همین دادگاه در باره کسانی که بگناههای قبل از ۱۰ بهمن محکوم شده اند در دادگاه های نظامی نپذیرفت یک بام و دو هوا که نمیشود (کشاورز صدر - ما با او حرف زدیم میگفت از نقطه نظر سیاسی است) خیلی خوب البته نمیشود یک چیزی گفت یارو گفت با بچه یتم چه کار میکنی گفت دارم ستر مورتش میکنم مگر باید بگویند که من چکار میکنم؟ منظورم این است که این حکمی که دیوان کشور راجع به محکومین دادگاه نظامی لار داده تمام توده ایها و تمام آتهائی که بر حسب حکم معکوه نظامی بعد از یازدهم بهمن در حبس هستند و محکومند تمام این جرم است هیئت حا که مجرم است و همیشه آنها حق دارند اعلام جرم بکنند این چه جور است که آن قضیه را می پذیرد این قضیه را نمی پذیرد پس این هم قاضی نیست این بندو بست چی است این سیاستچی است آنجوریکه دلش میخواهد همانجور میگوید این چه قضای است چه معکوه ای؟ عرض کنم اینها نخواسته اند تصفیه بکنند اگر میخواهند تصفیه بکنند خوب بدرا هم توی آنوقت چطور خود شما خود مردم

صورت را کمی ببینید می گویند نسبت این عده باطناً کاملاً رأی داده اند و یک عده ای را هم خودش می دانند که بیخودی رأی داده اند چطور میشود که آنها نماندند این را؟ این قضیه لوٹ کردن و از بین بردن قضیه تصفیه و مخلوط کردن بوده مشغول کردن مردم بیکدیگر عیناً داستان گل میخ و محمد بن صباح است که من بیکار نوشته بودم و حالا ناهلوم باز تکرار کنم در شهر کوریت همیشه زندگی همه کس آزاد است نه ای هر جایی در آنجا خیلی زیاد هستند همیشه هم زیاد است مبارک بن صباح زنده بود مدرسه و طلبه شده بود و مقدسو متدین ، بدو برادر دیگرش فشار می آوردند که این فواش را از این شهر بیرون کنند محمد صباح میگفت چکار دارید؟ چون خودش دلش میخواست که اینها باشند گفتند نمیشود فرار شد که اینها از شهر بیرون کنند و چون محمد بن صباح متخصص در شناختن آنها بود این مأموریت را با او گذار کردند که برود در خانه آنها یک گل میخی بزند سحر که هنوز مردم از خانه خارج نشده بودند نوکرها و غلامهای امیر باشند اینها را جمع کنند و بریزند در کشتی و ببرند به صبره محمد صباح و غلامش راه افتادند در خانه تمام فواش معروف یک گل میخ زدند بعد آمدند در خانه امام مسجد جمعه هم یک گل میخ زدند بعد رفتند در خانه یک تاجر محترم یک گل میخ هم به آنجا زدند رفتند در خانه خود مبارک بن صباح که فشار می آورد در خانه او هم یک گل میخ زدند در خانه برادرش هم رفتند یک گل میخ هم آنجا زدند و چون خودش مرد شجاهی بود در خانه خودش هم یک گل میخ زد ولی اینجا این شجاعت را نداشته که در خانه خودشان بزنند و بنویسند الا حق شیخ عبدالعلی لطفی بنده هم بند جیم اینجا این شجاعت را نداشتند اگر کرده بودند خیلی خوب بود و او کرد وقتی که صبح از خواب بلند شدند دیدند که عجب این در تمام شهر ما ت باین گفتند که توجیه کردی؟ گفت شما از من خواستید کار من اینجوری است گل میخ ها را کشیدند بیرون و کار تمام شد و هنوز هم آتارش باقی است اینجا نخواسته این جور بشود حالا خود جناب عالی انصاف بدهید اگر این هیئت نبود یک هیئت دیگری بود بازم همینطور قضاوت شده بود؟ شما را بوجدانان دکترا سجادی را نمیکند اشتند این تو؟ آقایان چه جور قضاوت است که با تفسیر قاضی محکوم تغییر پیدا میکنند اگر من قاضی بودم آقای فولادوند مقصر است اگر یکی دیگر جای من بود آقای دکتر طباطبائی مقصر است (صحیح است) با تفسیر قاضی محکوم تغییر میکنند؟ من آنان یک عده ای از هیئت تصفیه را دیدم و از خودشان شنیدم که از محکومیت یک عده ای اظهار تأسف کرده اند و گفته اند که اگر ما بودیم ممکن نبود که این کار را بکنیم حالا آمدیم که آن ها بودند آنوقت این کار را که نمیکردند پس با تفسیر قاضی محکوم تغییر میکنند یک لایحه سیاه و سفید بقول ایشان درست کردند که ضمناً چه نتیجه ای به

کشاورز صدر - یک حقایق را میگویند بگذارد صحبت کنند .
رئیس - بایه رأی گرفت چقدر وقت میخواهد؟
فرامرزی - هر چند من حرف بزنم تا زمانیکه حرفهایم تمام شود
رئیس - آقایانی که موافقت که آقای فرامرزی نسیاحت دیگر صحبت کنند قیام بفرمایند عده زیادی قیام نمودند (تصویب شد)
فرامرزی - آقایان بنده را تشویق میفرمایند متشکرم در تاریخ اسلام یک سلسله از سلاطین اسلام میرسیم که در مغرب افریقا تشکیل شده بنام سلسله موحدین که موسس این سلسله بنام محمد بن طولون بود و این شخص دعوی میکرد که مهدی موعود است اول همین طوریکه کسی راجع بندهش سؤال می کرد میگفت خود مهدی هستم و یک رفیق هم دامت باسم عبدالله که این عبدالله یک مرد دخل و دیوانه ای بود در تمام شهر با وضع کتبی میگفت و حرف هم نمی توانست بزند و نبرد سالها بدین وضع زندگی میکرد یک روزی در مسجد محمد بن طولون نشسته بود که عبدالله آمد و باو سلام کرد با لباس خیلی عالی و تمیز گفت دیشب دو فرشته آمدند و قلب مرا شکافتند و بمن اسرار غیب آموختند و همه دلها را بمن یاد دادند هر غمی از او امتحان کردند دیدند بلد است چون عالم بود و خودش را اینطور می ساخته بود بعد گفت من یک پیام دارم و آن اینست که شما امام زمان خودتان هستید و یک مأموریت هم من دارم و آن تبیین مردم بهشتی از دوزخی است و شقی از سعید آمدند روی دستوراتی که این شخص میداد تمام مردمی را که مخالف خودشان میدانستند یکی یکی نشان داد و بردند و سر بریدند و این دولت درست شده مثل آنها و بس که همچو لیستی درست کرده اند من از این آقایان تعجب میکنم چرا راجع باین قضیه فشار میآورند آیا منظور از این مذاکرات از این زد و خورد ها از این رد و بدل کردنها از این ضعیف کردنها آبرو کردن مجلس است در خارج یا برای رسیدن به نتیجه است نتیجه چی است؟ نتیجه این تصفیه باید این باشد که بعد از این سازمان ما درست نشود تشکیلات ما درست نشود اگر این قانون مویس اجرا شد تمام اینها می هم که مشغول این بند هستند مثل سقراط گفتند که ما برای مصلحت مملکت این جام شوکران را سر میکشیم و میرویم کنار آیا بعد از این دیگر عدلیه ما حقیقه دادگاه میشود؟ یعنی اگر نصف شیی یکمده او باش یک دکتری را دعوت کردند باسم طباطبائی او را کشتند منته کردند بعد دادگاه خون این دکتر مظلوم را با بیال نخواهد کرد و عدلیه ما روحانیت ما و مذهب ما را در دنیا رسوا نخواهند کرد این دادگاه ما آقای دکتر بقائی چرا راجع باین موضوع از آن دل نمره نمی کشید که مملکت را در دنیا رسوا کرد آیا دیگر شهرتانی ما پرورش سازی نخواهد کرد؟ در شهرتانی آزانهای ما در هر قسمی که اتومبیل ها می خواهند زدند میگویند پرور پرور (در اینجا با طوق دست

خود را بلند کرده و با انگشت علامت ۳ و ۲ و ۱ ...
 را نشان دادند) (خنده نمایندگان) آیا نظام وظیفه
 ما بحقیقت برای نظام وظیفه گرفته خواهد شد یا برای
 پول؟ مأمورینی که در خارج هستند مشمول را غیر
 مشمول و غیر مشمول را مشمول نمیکنند؟ (دکتر
 معظمی - آقای فرامرزی رئیس نظام وظیفه را فرمائید
 ایشان مرد خوبی هستند) رئیس نظام وظیفه سرلشکر
 تقدی از شریف ترین رؤسای ادارات ما هستند من
 نخواستم ایشان اهانت کنم برای اینکه او نه یون
 میگرد و نه اعمال نفوذ میکند (مهدوی - مکرر رئیس
 شهربانی اینطور نیست؟) رئیس شهربانی هم همینطور
 است (شوشتری - راجع به مالیات بردارند بفرمائید)
 بله آید دیگر رئیس مالیات بردارند ما ۶ هزار تومان
 و ده هزار تومان را در مقابل صد تومان ...
 تومان نخواهد بخشید؟ و مالیات را فقط از زن ها و
 بیوه زن ها بگیرد (قاسم فولادوند ایمانی را که داشت
 مالیات وصول میکرد عوض نمیکند؟ در این مجلس
 آقا داد کشیدیم برای ایمانی چرا او را عوض کردند؟)
 برای اینکه مالیاتها وصول نشود آقا آنها که گفتند در
 نلش زیادی است عرض کنم بعضی آقایان همین
 وزارت اقتصاد ملی که پول ملت و مملکت در دستش
 است و دیگر اعضاء کمیسیون و اشخاص موثر آن
 آیا دیگر دلالان در بازار نخواهند گذاشت که روی موافقت
 قبلی کار کنند آیا آنها الی آخر درست خواهد شد
 و مسلماً خود شما میدانید که بیرون کردن آنها از
 این تشکیلات کوچکترین تأثیر در این امر نخواهد
 داشت. ممکن نیست سازمان برنامه کمتر پول در بریزد
 و همین هست که هست (عدهای از نمایندگان - صحیح
 است) و اما ضررش یعنی ضرر این کارهایی که میکنیم
 چه هست؟ وقتان را تلف میکنیم بیخود بهم میریزیم
 بیخود آبروی همدیگر را میبریم و خود را رسوا
 میکنیم شما خیال میکنید که بعد ها حساب را ننگه
 می دارند و جامعه بعد از مدت ها وقت ایشان را در بند
 ج میکنند این اثر معنوی را هم ندارند برای اینکه
 دلایل و براهین محکومیت این را باو نگفته اند و در
 مملکت منتشر نکرده اند که هم خودش بتواند حرف
 بزند و هم مردم قانع بشوند آدم بزرگ که سهل است
 در علم تعلیم و تربیت این مسئله مسلم است که اگر
 بجای را تنبیه کنند بدون اینکه گناه خود را بدانند
 این تنبیه اثر ندارد (دکتر بقائی - ولی آقای فرامرزی
 اینها ۸۰ در صد گناه خود را میدانند این استدلال
 از شما بعید است) (قاسم فولادوند - دکتر تهری
 یکی از شریف ترین افراد این مملکت است او را
 چرا توی بند گذاشته اند) ایتهائی که آقایان توی
 نظم میدهند جزو نیهت است عرض میشود که اگر
 اینها گناهشان را خودشان نمی دانسته اند قاضی که
 میدانسته چرا نگفته چرا قاضی منتشر نکرده؟ چرا
 گفته من اینطور می فهمم تمام ایراد من اینستکه
 چرا دلایل گذاشتن این آقایان را در بند ج ذکر
 نکرده اند (غلامرضا فولادوند - آقا از هر حکام از
 هیئت تصفیه بیرسید میگویی من میدانم اینرا اکثریت
 نوشته آن یکی را میگویی من نداده ام اکثریت داده یک

هست و آن قضیه اینستکه من خودم هم تصدیق میکنم قضیه
 که ممکنست بسیار یعنی اغلب از اینها توی را که در بند
 ج گذاشته مستحق این بند هستند اینرا هم من تصدیق
 میکنم که در بند الف هم بعضی ها خوب بوده اند و
 بعضیها دزد بوده اند و خواسته اند آنها را بشوند
 (دکتر بقائی - این هم صحیح است ولی استدلال
 شما صحیح نیست) اگر صحیح است که هر دو تنش
 صحیح است (دکتر بقائی - استدلال شما غلط است)
 استدلال من صحیح است بشرط آنکه شما عینک
 بیرنگ بپوش بزنید (دکتر بقائی - عینک من الان هم
 بیرنگ است) یعنی با آن عینکی که معتقدید که مال
 شما صحیح است و مال من غلط اینرا آنجوری میبینید
 دراصل قضا جناب آقای دکتر مصدق عالم حقوق اند
 و جناب عالی هم آقای دکتر بقائی همینطور من نه فقه
 خوب میدانم و نه حقوق را درست میدانم ولی مطالعات
 کلی دارم من تصور نمیکنم هیچ قانونی در دنیا اجازه
 بدهد یکمده بیگناه را محکوم بکنند برای آنکه
 یک عده با گناه محکوم نشوند (عده ای از نمایندگان -
 صحیح است) ما خودمان اصلی داریم که رادروا محدود
 بالشبهات کسی تا محکومیتش ثابت نباشد قاضی
 نمیتواند او را محکوم کند (دکتر مصدق - ادروا) خیر
 عرض میکنم رادروا برای اینکه من هر بی را میدانم
 و فرانسه را میدانم و اگر من فرانسه بگویم شما
 خنده تان میگیرید چون من فرانسه میدانم همانطوری
 که آقایان هر بی میدانند وقتی که آقایان اینجا
 هر بی میگویند من می خندم من خودم یادم است
 در این کتابها داستانی خواندم راجع به محکوم
 کردن یک کسی که محکوم نبود آنوقت یک اصل را
 در اینجا نشان میدهند که گویا آقای هامری هم فرمودند
 (اسلامی - ممکن است فرانسه اش را هم بفرمائید)
 میگویند:
 Il vaut mieux laisser un coupable sans punition que de risquer de faire condamner un innocent.

این يك اصل قضائی است همانطوریكه عرض
 كردم كه اگر امر دایر باشد بین تیرمه يك محکوم یا
 محکوم کردن يك بیگناه باید اصل تیرمه محکوم را جسیبید
 همانطوری که در هر بی هم اینجور است این جمله فرانسه
 راهم من از زمانی که میخواستم فرانسه یاد بگیرم یاد
 مانده بود که گفتند (دکتر بقائی - فرانسه را خوب
 گفتید و بنده شما نمره ۱۹ میدهم) ولی من شما این
 نمره را در هر بی میدهم ولی با این تفاوت که يك
 محکوم بود و يك بیگناه (دکتر بقائی - ولی در اینجا
 ۸۰ محکوم و ۱۰ بیگناه است) يك حرفی بود که
 جناب آقای دکتر مصدق در اینجا وقتی راجع به
 خودشان آقای جمال امامی گفت که خواسته اند ایشان
 را در بند ج بگذارند و معلوم شد دروغ است برای
 اینکه هیئت تصفیه تکذیب کرده حالا میدانم تکذیبش
 راست یا دروغ است خوب تکذیب کرده میگویی
 صحیح است و فرمودند که من چون اکثریت ملت من
 که درباره من حرفی بزند با اولی وقتي بعش میگردند
 میگفت اول الفاظ را معنی کن و اول حدود کلمات

مقابل مجلس ، مجلس باید قدرت داشته باشد اگر
 مجلس از خود قدرت نشان بدهد آبروی مجلس میرود
 بالا ولی اگر همینطور با حال ذلت ، با خواری باقی
 بماند آبروی مجلس هم از بین میرود (مکی - اینهم
 صحیح است) بدبختانه حالا يك جا می میرسیم که بنظر
 جناب عالی از این هم صحیحتر است و آن این است که
 وقتی که شما پیشنهاد کردید که اختیاراتی که بکمیسیون
 دادگستری در دوره پانزدهم داد شده لغو بشود من
 اینرا پذیرفتم (مکی - صحیح است) چرا؟ برای
 اینکه مجلس با اکثریت مجلس اگر بخواهد يك
 چیزی بگیرد باید يك چیزی هم بدهد باید از يك
 مقدار نظیرش که در کمیسیون اجرا شده صرف نظر
 بکند يك مطالبی يك اختیاراتی باین کمیسیون داده
 شده که يك روزی معلوم خواهد شد که از تمام این
 بندها خطرناکتر است اینکه چیزی نیست ۱۲۰ نفر
 یا دوست نفر آدم میروند توی خانه شان می نشینند
 غالباً هم نان و زندگی دارند قش هم میدهد که
 بدر سوخته ها با نظام کردند يك اختیاراتی بکمیسیون
 دادگستری دادند که در آتیه خواهید دید خطرش
 برآب از این زیادتر است و اگر مجلس موافقت
 کند آن اختیارات لغو شود این هم از بین برود هم
 ملت راضی میشود و هم ما از مخمه بیرون آمده ایم
 (صحیح است) (شوشتری - پیشنهاد بفرمائید ما امضاء
 میکنیم) نمیکنید ، عرض کنم که این اختیاراتی که
 بکمیسیون دادگستری داده شد و این اختیار را
 بهیئت تصفیه دادند میدانید در چه موقع مجلس شد
 در موقعی شده که مجلس افتاده بود در سرآشویی و
 هر کس از ترس اینکه او را جزء دسته میدانم فلانو
 بهمان قرار بدهند کاری میکرد که هر چه میکردند میگفت
 بله قربان (مکی - مسئول کی بود آقای فرامرزی؟)
 مسئول ما بودیم قربان (مکی - کی بیشتر از همه؟)
 همه مامشول بودیم من بودم شما بودید همه بودید
 هر کس سهم خودش يك اصل کفایه داریم و يك چیز
 دیگری که اسم ندارد باید گناه گناه اسمش را گذاشت
 عرض کنم با اینکه جناب آقای سردار فخر خودشان
 هر چه لازم بود فرمودند مهم مثل اینکه دلم میخواهد
 دوسه گله راجع باین موضوع بگویم راجع بچاك
 بلا معلمان که آقای دکتر مصدق فرمودند خودشان
 فرمودند این چك لابد صاحبی دارد یعنی لابد يك
 آدمی طلبکار است که چك برایش کشیده اند این کی
 است که پول نمیخواهد و فقط خودش میباید هو بکند
 (مکی - اگر اجازه بدهید نمره اش را عرض کنم)
 آقا بنده هم میگویی شما کشیده اند مگر توی این
 مملکت وجدان است؟ مگر توی این مملکت ایمان
 است؟ مگر کسی را خواسته باشند متهم بکنند چه
 مانعی دارد؟ (دکتر مصدق - خواهش میکنم مجلس
 را متشنج نفرمائید آقای فرامرزی استدعا میکنم مجلس
 را متشنج نفرمائید) (دکتر بقائی - ما از روز اول
 خواستیم که در این موضوع وارد نشویم) چشم عرض
 کنم متأسفانه اگر این اعمال غرض نمیگردند اگر
 خوب بود را بهم مخلوط نمیگردند اگر آن دزد های
 بنام را که گذاشته اند اشخاص دیگری فاسطی نمیکردند
 يك بند الف دیگری درست نمیگردند که اشخاصی را

که من میخانم دزد هستند توی این بند نمیگذاشتند
 هیچکس نمیتوانست کاری بکند (دکتر طباطبائی - پس
 شما تصدیق دارید قانون خوبی بود) (آقایان قانون
 کفیری داریم قانون استفاده داریم دیوان کفیر داریم
 یاد دولت میتواند اجرا بکند یا نمیتواند اگر میتواند
 آن قوانین را اجرا بکنند دولت خودش اختیار دارد
 اگر نمیتواند که صد تا قانون دیگر هم از مجلس
 بگذرانند باز نمیتواند اجرا بکند فایده اش چیست
 الفاظ قانون که بکسی قوت نمیدهد با این ترمیمی
 که اینها مخلوط کرده اند قابل هضم نیست مثلا من
 این را از شما میبرسم که اهل الملک چه طور برای این
 مملکت وجودش زیاد است؟ ابوالحسن صادقی که
 نیست این چه جور وجودش برای این مملکت زیاد
 است و کتر افشار علی صدارت آقا يك قاضی است
 در تمام عمر این يك خدشه نیست يك شاهر بسیار
 مفید ظریف الطبع قطعاً امضاء يك ابلاغ این با امضای
 قوام السلطنه است یعنی چی؟ آنهم درجه موقمی؟
 در موقمی که هدایه وزیر نداشته است ، هنری ، همین
 بوذری که اینجا نهسته ، مهران ، بزدا نفر ، وحید
 این ها را گذاشته اند توی بند (ب) آنوقت با خدا
 را گذاشته اند توی بند الف (دکتر بقائی - آقای
 فرامرزی اگر بخواهید اشخاص را اسم ببرید تمام
 این جنایات دادگستری توی این مملکت با دست
 این آقای بزرگوار دارد صورت میکنید
 در تمام معانک اعمال نفوذ میکند شما جواب
 آن یادداشت را بدهید)
 رئیس - آقای فرامرزی وقت شما تمام شد
 (دکتر بقائی - آقای فرامرزی جواب آن یادداشت
 را بفرمائید) آقای دکتر بقائی عرض کنم که اگر
 دلایلی داشتید که فلانکس فلان کار را کرده فلان آدم
 مسئول ما بودیم قربان (مکی - کی بیشتر از همه؟)
 همه مامشول بودیم من بودم شما بودید همه بودید
 هر کس سهم خودش يك اصل کفایه داریم و يك چیز
 دیگری که اسم ندارد باید گناه گناه اسمش را گذاشت
 عرض کنم با اینکه جناب آقای سردار فخر خودشان
 هر چه لازم بود فرمودند مهم مثل اینکه دلم میخواهد
 دوسه گله راجع باین موضوع بگویم راجع بچاك
 بلا معلمان که آقای دکتر مصدق فرمودند خودشان
 فرمودند این چك لابد صاحبی دارد یعنی لابد يك
 آدمی طلبکار است که چك برایش کشیده اند این کی
 است که پول نمیخواهد و فقط خودش میباید هو بکند
 (مکی - اگر اجازه بدهید نمره اش را عرض کنم)
 آقا بنده هم میگویی شما کشیده اند مگر توی این
 مملکت وجدان است؟ مگر توی این مملکت ایمان
 است؟ مگر کسی را خواسته باشند متهم بکنند چه
 مانعی دارد؟ (دکتر مصدق - خواهش میکنم مجلس
 را متشنج نفرمائید آقای فرامرزی استدعا میکنم مجلس
 را متشنج نفرمائید) (دکتر بقائی - ما از روز اول
 خواستیم که در این موضوع وارد نشویم) چشم عرض
 کنم متأسفانه اگر این اعمال غرض نمیگردند اگر
 خوب بود را بهم مخلوط نمیگردند اگر آن دزد های
 بنام را که گذاشته اند اشخاص دیگری فاسطی نمیکردند
 يك بند الف دیگری درست نمیگردند که اشخاصی را

شوشتری - من پیشنهاد ایشان را قبول نکردم
 من این آن پیشنهاد را نوشتم
عده از نمایندگان - آمدند
کشاورز صدر - بنظر بنده دیگر بمقدار
 کافی در اطراف این لایحه بحث شده خواستم بخاطر
 آقای آزاد که در اینجا تذکر دادند که ما در اینجا
 مطالعه کنیم که مانند لایحه سابق ناقص نباشد بمرض
 آقایان میرسانم که الان چندین روز است چه در
 مجلس چه در خارج در کردیدرها و فراکسیونها
 این لایحه و این موضوع مورد شور و بحث قرار گرفته
 بخصوص جناب آقای فرامرزی و جناب آقای هامری
 که قبل از ایشان بودند و آقایان دیگر که کاملاً
 جهات مختلف این لایحه را سنجیدند و بنا بر این بعد
 از این جز اینکه وقت مجلس را بگیرد چیز دیگری
 نیست (عده ای از نمایندگان - صحیح است) من
 خودم یاد داشت کرده بودم که خیلی از مطالب را
 بگویم ولی دیدم که بیش از این لازم نیست آقایان
 این مسائل را گفته ضرورت ندارد که بیش از این
 تذکر داده شود خواستم بگویم که آقایان اجازه
 بفرمائید تا مذاکرات کافی باشد و رأی پیشنهاد کفایت
 مذاکرات داده شود
مکی - بنده با کفایت مذاکرات مغالطه اینجا
 نباید تمییز بشود بنده قبل از همه تقاضا کرده ام
اردلان - پیشنهاد کفایت مذاکرات در
 کلیات است نه در مواد در مواد باید صحبت بشود
رئیس - این پیشنهاد راجع بکفایت مذاکره
 در کلیات است آقای فولادوند بفرمائید
قاسم فولادوند - بنده معتقدم و همیشه هم
 معتقد بوده ام که نباید در کارها عجله کرد باید در
 اطراف امور له و علیه صحبت کرد مخصوصاً در
 يك کاری که بفرمایش آقای فرامرزی يك بندی را
 خواسته اند برای تصفیه مجلس در راه مجلس بگسترانند
 این آقایان هیئت تصفیه بکامده از اشخاص شریف
 مملکت را لکه دار کرده اند يك همایانی برخلاف قانون
 کرده اند باید از حیثیت آن اشخاص دفاع کرد باید
 پشت این تریبون آنها را توضیح داد که ملت ایران
 بداند که آقایان سوء نظر داشته و غرض ورزی کرده اند
 و متوجه بشوند برای اینکه در ولایات میشوند که
 قانون تصفیه آمده و يك عده از مستخدمین دولت را
 در بداند و ج وب قرارداد این قانون را باید همان
 طوریکه فرمودند بعد از بحث و شور رد بکنند ممکن
 است برای آنهاشی که در اطراف مملکت هستند
 تولید يك ابهامی بکنند لذا باید آمد اینجا صحبت
 کرد و ثابت کرد چرا این قانون با سوء نظر و غرض
 ورزی انجام شده است و عیوب قانون چیست؟ اگر
 يك عملی هم میکنیم مثل کمیسیون دادگستری یا رسال
 محتاج نشویم دوباره تجدید نظر کنیم اینها اشخاص
 شریف را توی این مملکت لکه دار کردند سرلشکر
 کویال آقایان شب محتاج است چرا او را در بند
 گذاشته اند (معل - بنده یک پیشنهاد آقا) بسیار
 بد است آقا بنده میگویی همان طوریکه
 جناب آقای دستار صدق فرمودند این ها صدی
 پانزده فرض ورزی کرده اند باید آنهاشی را

که در بند الف گذشته اند صدی ۱۰ آنها را در بند ج گذاشت (صدوزاده - يك آدم لایقی را اگر در این بندهم بگذارند درست نیست) آقا این چه حرفی است اینها را از حقوق اجتماعی از حقوق فردی معروم کرده اند باید اینجا صحبت کرد بچه مناسب آقای دکتر سجادی و آقای لطفی بعد از ۹۰ سال عمر خدمت بکنند و جوانهای مملکت مثل دکتر ثمری و دکتر مهران از کار برکنار شوند شهرستان بروجرد دو طبیب ندارد بچه مناسب اینها را در بند گذاشته اند دکتر نخعی را که یکی از افراد شریف این مملکت است چرا در بند گذاشته اند برای اینکه حیثیت افراد را لکه دار کنند اینها باید اینجا گفته شود همین آقای کشاورز صدر را که دارد باین وضع در این مملکت زندگی میکند گذاشتند در بند برادر من ۱۸ سال دارد کار میکند بگذارند در بند ب آنوقت کسی را که ۱۰۰۰ لکه و تنک دارد باید توی بند الف بگذارند آقای دکتر سجادی و آقای دکتر هومن یسر ۵۰۰ (رئیس - آقای فولادوند مراعات آئین نامه را بکنید و خارج نشوید) جناب آقای رئیس آقا اینها شرف مردم را برده اند بگذارید اینجا صحبت بکنیم ما ۶ برادریم دو تا و کیلیم یکی در نظام خدمت میکنند در جنگهای لرستان پیش قراول بوده و شرکت کرده يك برادر من قاضی بوده يكفرد در این مملکت بیاید بگوید که این برادر های من کوچکترین تغلفی کرده بیاید بگوید که کوچکترین کار خلافی کرده اند من دست در ۶ نفر را میکیرم و

از این مملکت بیرون میرویم ما پدر دریدر به این مملکت خدمت کرده ایم مگر میگند که شیخ عبدالعلی لطفی که هزار اتهام دارد بما توهینی بکنند همین آقای شامرودی که ملاحظه میکنید کفیل فرمانداری شامروود را برای اینکه آقای شامروودی و کپیل نشده است در مجلس سنا ایشان آمده اند و او را در بند ج گذاشته اند بنده میتوانم بروم زراعت بکنم نان بخورم ولی او برود چکار بکنند ؟

غلامرضا فولادوند - حزب عامیون .

کشاورز صدر - فراماسونها ما را به بند گذاشته اند ما آنها را ببند دارم میگند

غلامرضا فولادوند - هر وقت حزب عامیون زمام این مملکت را بدست گرفت ما از این مملکت میرویم .

رئیس - چون از هیئت دولت ۲ نفر اینجا هستند مطابق ماده ۱۶۸ عده کانی نیست اعلام رای نمیشود آقای وزیر پست و تلگراف لایحه ای دارند که میدهند بفرمائید .

۴- تقدیم يك فقره لایحه از طرف

آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - مجلس شورای ملی بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است وسایل مخابراتی و مکالماتی یکی از مهمترین عوامل ترقی اقتصادی و رفاه عمومی میباشد متأسفانه وسایل مخابراتی و مکالماتی فعلی کشور دستگامهای قدیمی و فرسوده است که بهیچوجه با احتیاجات فعلی

زندگانی عمومی تطبیق نمی نماید سهل است غالب مراکز مهم کشور فاقد وسایل مخابراتی و مواصلاتی میباشد ایجاد این وسایل و تکمیل و اصلاح وسایل موجود که بایستی در اسرع وقت عملی شود محتاج سرمایه زیاد و تعداد کانی متخصص و مهندس میباشد که تهیه این وسایل مالی و فنی در مدت کوتاه برای دولت ایران میسر نیست لذا دولت در نظر گرفته است با مؤسسات خارجی مهم وارد مذاکره شده و با آنان قراری بدهد که وسایل مخابراتی و مکالماتی جدید را در کلیه نقاط کشور و همینطور تریب مواصلات کشور ایران با کشورهای بیگانه را بنحو احسن طبق مشخصات مورد تصویب وزارت پست و تلگراف و تلفن و تحت نظر آن وزارتخانه در مدت کوتاهی حداکثر سه سال انجام و بهای آنرا بتدریج و با قسطا در مدت طولانی حداکثر ده سال دریافت نمایند ضمناً شرکت خارجی که انجام عمل را بعهده خواهد گرفت متعهد شود حسن عمل کلیه تأسیسات را تا مدت پنج سال پس از تحویل تمهد و تضمین نماید بنابراین ماده واحده زیر تقدیم و تقاضای تصویب آنرا مینماید .

• - ختم جلسه

رئیس - بکمیسیون مربوطه فرستاده میشود جلسه را ختم میکنیم و جلسه آینده سه شنبه ساعت ۹ صبح دنباله رأی خواهد بود
(جلسه ساعت يك و بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد) •
رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت